

HOW TO TRADE WITH
PRICE ACTION

Nial Fuller



فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
معامله گری با شرایط بر وفق مراد شما.....	۱۷
هیچ جادویی وجود ندارد.....	۱۹
ابتکار عمل از طریق تجربه به دست میآید.....	۲۰
واقعیات معامله گری.....	۲۲
مفهوم معامله گری فارکس.....	۲۴
یک سیستم معاملاتی برنده ی قدرتمند.....	۲۵
به گل نشسته در جزیره ای بی آب و علف.....	۲۹
عادات ذهنی برندگان.....	۳۰
رفتار قیمت ردپای پول.....	۳۱
حقیقت معاملهگری.....	۳۲
اصول روندها و بازگشت به میانه.....	۳۳
چارچوب های زمانی و روندها.....	۳۴
چارچوبهای زمانی.....	۳۴
روندها.....	۳۴
قوانین بازار.....	۳۶

- معرفی بازگشت به میانه ۳۷
- بازارها برای حرکت به پایین باید به بالا و برای حرکت به بالا باید به پایین جابجا شوند. ۳۹
- راه اندازی محیط معاملاتی روی چارت ۴۲
- میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ ۴۴
- میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ ۴۶
- روندهای چرخشی و ناقص ۴۸
- چگونه یک خط روند را رسم کنید؟ ۵۰
- روندهای کامل سرنخ هایی فراهم می کنند ۵۱
- نقاط نوسان حمایت و روندها ۵۵
- خلاصه مبحث روند ۵۸
- استراتژی های معامله گری - جمع بندی ۶۰
- رفتار قیمت در روندها ۶۲
- چرا ما حرکات خلاف روند را برای ورود به پوزیشن ها انتخاب می کنیم؟ ۶۴
- قوانین حمایت و مقاومت ۶۵
- الگوهای رفتار قیمت و جمع بندی ۷۱
- پین بار بازگشتی چیست؟ ۷۲
- انواع ورود با پین بار ۷۴
- روش ۱: پرخاشگرانه ۷۵

- ۷۵..... روش ۲: پرخاشگرانه
- ۷۶..... روش ۳: محافظه کار
- ۷۷..... بین بار - نکات بسیار مهم
- ۷۷..... ورودی و حد ضرر
- ۸۷..... کندل درونی و الگوهای هیپاکاکی
- ۸۸..... کندل درونی چیست؟
- ۹۰..... مشاهده ی کندل های درونی
- ۹۳..... الگوی قلبی یا *Hikkake*
- ۹۴..... *Hikkake* قلبی، الگوی شکست کاذب
- ۹۸..... حوزه های رویداد و کندل های درونی
- ۱۰۰..... ورود ۶۰ و ۲۴۰ دقیقه
- ۱۰۱..... معامله دو کندل معکوس در روند
- ۱۰۸..... جمع بندی برنامه معاملاتی (چگونگی اعمال ستاپهای معاملاتی)
- ۱۰۹..... برنامه معاملاتی
- ۱۰۹..... برنامه معاملاتی فارکس
- ۱۱۱..... قوانین بین بار
- ۱۱۲..... قوانین دروغین
- ۱۱۲..... بر روی برنامه خودتان کار کنید

- ۱۱۴..... مدیریت سرمایه و معاملات
- ۱۱۵..... ریسک و بازگشت - درباره ی پیپ یا درصد نیست
- ۱۲۴..... مدیریت سرمایه
- ۱۳۲..... روانشناسی معامله گری
- ۱۳۳..... روانشناسی بازار
- ۱۳۳..... ترس
- ۱۳۴..... حرص
- ۱۳۵..... اعتماد به نفس بیش از حد
- ۱۳۵..... اعتماد
- ۱۳۵..... عدم توانایی در کشیدن ماشه معامله
- ۱۳۶..... خروج زود هنگام از معامله
- ۱۳۷..... قضاوت
- ۱۳۷..... چک لیست
- ۱۳۷..... کار کردن با هنر خود
- ۱۳۷..... انضباط
- ۱۳۸..... تعهد
- ۱۳۸..... تمرکز
- ۱۳۸..... صبر

۱۳۹..... ثبات

۱۴۰..... خلاصه

۱۴۱..... اصول اولیه طرح معاملاتی من

۱۴۴ توصیه هایی برای معاملات درون روز

۱۴۵ فکر نهایی من

کمترین چیزی که دریافت می کنید

- یادگیری ۳ نوع ستاپ معاملاتی رفتار قیمت.
- پیدا کردن آسان ورودی‌های معاملاتی در چارت روزانه.
- پیدا کردن یک ستاپ معاملاتی رفتار قیمت، گذاشتن سفارش ورودی، گذاشتن سفارش حدضرر و حدسود.
- بینشی از ذهن من و معامله‌گران به دست می‌آورید.
- پیدا کردن یک ستاپ معاملاتی رفتار قیمت و دانستن اینکه چطور آن را معامله کنید.
- معامله‌گری بدون احساس.

رئوس مطالب - چیزی که یاد خواهید گرفت

- مفهوم معامله گری برای کسب سود ...
- اعمال ریسک / پاداش با حاشیه‌ی برنده
- چه چیزی باعث ورود خوب می‌شود؟
- تنظیمات رفتار قیمت - جای پای پول.
- ۳ ستاپ معاملاتی که سود ثابت می‌سازند.
- ساختار بازار و الگوهای تکراری.
- ردیابی روندهای بازار و یافتن سطوح کلیدی.

- دنبال کردن مسیری که کمترین مقاومت را دارد.
- بهترین روش ورود رفتار قیمت.
- عادات ذهنی معامله‌گران برنده.
- جمع بندی برای پیروزی.

مقدمه

معامله گر عزیز:

از اینکه تصمیم گرفتید در آینده معاملاتیتان سرمایه‌گذاری کنید به شما تبریک می‌گویم. در این درس یاد می‌گیرید که معامله‌گران حرفه‌ای برای دهه‌ها چه کاری انجام داده‌اند و آن چیزی نیست جز «معامله‌گری رفتار قیمت»^۱.

شما در حال یادگیری هنر خواندن نمودار^۲ و آنالیز رفتار قیمت هستید. یاد می‌گیرید چطور فکر کنید، چطور و چه موقع عمل کنید. شما با معامله‌گری شب و روز خود را سپری خواهید کرد. با یک هدف در ذهن و آن «برنده شدن» است.

قرار نیست هیچ‌گونه بازگشت مالی به شما وعده داده شود، برخی از شما شکست خواهید خورد، برخی از شما بعد از یادگیری این مطالب به معامله‌گری حرفه‌ای تبدیل خواهید شد. تنها امید من این است که شما باور کنید آنچه در اینجا می‌خوانید، تجربیات شخصی من است، این روشی است که من با آن معامله می‌کنم، و در بازارها پول به دست می‌آورم. شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که همه چیز را در اینجا یاد بگیرید، اما ابزارهای آن تهیه شده‌اند.

این دوره شاهی بر موفقیت خودم است، و من بسیار مفتخرم که این دانشی که در دهه گذشته به دست آورده‌ام، را با شما به اشتراک بگذارم. امیدوارم این

^۱ رفتار قیمت = پرایس اکشن. در این کتاب بجای واژه پرایس اکشن از معادل فارسی آن یعنی رفتار قیمت استفاده می‌شود.

حقیقت را درک کرده باشید که هیچ دو سبک معاملاتی شبیه هم نیست، و همچنین معامله‌گران منحصربه فرد نیستند، بنابراین همه شما از افکار و فعالیت های من با آنالیز بازار لذت نخواهید برد.

به جمع کسانی که این مطالب را مطالعه و آن را در معاملات فارکس خود بکار بستند، بپیوندید و سود ببرید.

نایل فولر

معامله گری با شرایط بر وفق مراد شما

شتاب حرکت^۳ بازار و رفتار قیمت یک حاشیه‌ی^۴ تعریف‌پذیر برای معامله‌گران حرفه‌ای است. یک ضرب المثل قدیمی وجود دارد که می‌گوید "معامله‌گران حرفه‌ای نیمی از حرکت‌های بزرگ را در بازار از دست می‌دهند"، و من با بی‌میلی با این موضوع موافقم.

من بعد از ۶ سال تجربه‌ی معامله‌گری در بازار به این نتیجه رسیده‌ام که اگر چه سیگنال‌های رفتار قیمت و روندها همواره در حال رخ دادن هستند، اما اغلب مخالف یکدیگر می‌باشند،

یک سیستم معاملاتی سودآور تنها توسط ۱ معامله با شرایط خاص تعریف نمی‌شود. در حالت ایده آل، حداقل باید ۲ یا ۳ پارامتر و یا بیشتر را با یکدیگر ترکیب کنیم، زیرا فقط با استفاده از "تلاقی سیگنالها" می‌توان به راحتی یک سیستم معاملاتی سودآور را تعریف کرد.

قبلا هم گفتم و اکنون هم می‌گویم که همیشه مقدار مساوی از سیگنالهای رفتار قیمت در مناطق تصادفی چارت و هم تراز با روندها یا سطوح افقی رخ خواهند داد.

من به دفعات متوجه شدم که اغلب معاملات سود آور من، زمانی که سیگنالهای رفتار قیمت در روندهای بسیار واضح یا در مناطق کلیدی در بازار هستند، روی می‌دهند. در ابتدای کار، درگیر تمام حرکات بزرگ در بازار بودم، تا اینکه یک روز

Momentum^۳

edge^۴

متوجه شدم که باید قوانین سختگیرانه‌ای وضع کنم، حتی اگر این قوانین به معنای از دست دادن ۵ مورد از ۱۰ معامله در ماه باشد!

بنابراین به طور خلاصه، من سیستم سودآور خود را در بازار، تنها بعد از هم‌ترازی بیش از یک قانون ورودی خودم، تعریف کردم، که به من امکان افزایش شانس موفقیت را می‌دهد. علاوه بر این، با انجام این کار، تمایل به دریافت حرکات بزرگ‌تری در بازار دارم، چون اغلب، از نقاط عطف اصلی، یا از اواسط روند طبیعی برای انجام معاملات خود استفاده می‌کنم.

هیچ جادویی وجود ندارد

اگر به اندازه‌ی کافی شانس لازم برای پیدا کردن نوعی از سیستم‌های مکانیکی فارکس که چندین ماه برای شما به خوبی کار می‌کنند را دارید، باید بگویم: بیشتر اوقات، این مدل‌های معامله‌گری برای از بین بردن معامله‌گران تازه به کار خواهند رفت. به همین دلیل است که سیستم‌های کوچک مکانیکی فارکس در «معامله‌گری واقعی» جایی ندارند. بهترین آنها نیز در نهایت بی فایده هستند.

بسیاری از مربیان یا سیستم‌های معامله‌گری، هیچ چیز عملی را آموزش نمی‌دهند، آن‌ها صفحاتی را با «زباله» پر می‌کنند تا پولی به دست آورند. آن‌ها مسائل مربوط به پایه و اساس تحلیل بازار را نادیده می‌گیرند، در آموزش‌های روش‌هایی که با بازار تغییر می‌کنند، و همچنین در آموزش موضوعات پویایی و رفتار قیمت ناموفق عمل می‌کنند.

زمانی که به دنبال یک راهنما یا یک رویکرد معاملاتی هستید، نباید به دنبال سیستمی بگردید که قوانین ثابتی داشته باشد. تمام معامله‌گران بزرگ از نوعی «احتیاط» و «احساس باطنی» استفاده می‌کنند. انتظار نداشته باشید که فردا نیز همانند امروز، همان معامله‌ی سودآور را داشته باشید، هر روز، بازار متفاوت است، و هیچ دو ستاپ معاملاتی شبیه به یکدیگر وجود ندارد.

منطق معامله‌گری یکسان باقی می‌ماند، اما ما و بازار اینگونه نیستیم. برای یادگیری روزانه آماده باشید، و همچنین رویکرد خود را با شرایط بازار سازگار کنید.

اگر واقعا هنوز به دنبال یک سیستم جادویی برای معامله‌گری هستید، هنوز هم در دنده‌ی یک قرار دارید. من نیاز دارم که شما را به دنده‌ی دوم برسانم، حریص

و تنبل بودن را کنار بگذارید، و لطفا مقداری مطالب واقعی و کاربردی یاد بگیرید تا به شما در کسب سود در بازار کمک کند.

هیچ میانبری برای توسعه یک استراتژی معاملاتی وجود ندارد، هیچ سیستم جام مقدس گونه‌ای، و هیچ سیستم کاملاً خودکاری وجود ندارد که معامله‌گران کوچک از آن برای معاملاتی بازار استفاده کنند. بازیکنان بزرگ بازار همواره مزیت برنده بودن را خواهند داشت و تنها شانس ما این است که یاد بگیریم، چگونه با حرکات قیمت این بازیکنان بزرگ همراه شویم.

به دلیل این فقدان، باید یاد بگیریم که بازیگران بزرگ را پشت سر بگذاریم و بازار را بخوانیم ...

ابتکار عمل از طریق تجربه به دست می‌آید

تبدیل شدن به یک معامله‌گر بزرگ همانند انجام یک ورزش دشوار، مانند تنیس، فوتبال یا بسکتبال است. یادگیری قوانین آسان می‌باشد، اما همانطور که همه‌ی ما می‌دانیم، بازی کردن دشوار است و نیازمند آموزش و تجربه برای توسعه مهارت‌ها و شهود در طول زمان می‌باشد. عنصر مشترک در اغلب ورزشکاران موفق این است که آنها خیلی زود شروع به ورزش می‌کنند و نقشه‌ی موفقیت خود را در طول زمان به تدریج در مغز خود رشد می‌دهند.

برخی از آن‌ها سال‌ها به سختی تمرین می‌کنند تا بر یک ورزش خاص مسلط شوند، بسیاری شکست می‌خورند، و درصد کمی پیشرفت خواهند کرد و برخی حتی در رشته‌ی ورزشی خود، حرفه‌ای می‌شوند. آن‌هایی که به سادگی شکست

می‌خورند، لازمه‌های این کار را ندارند، رویاها و آرزوهای دیگر را می‌یابند و به زندگی خود ادامه می‌دهند.

این منطق برای معامله‌گری نیز یکسان است. برخی از پس آن بر می‌آیند و برخی نیز شکست می‌خورند، برخی از معامله‌گران خصوصی ۱۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰ دلار در هفته درآمد دارند، برخی حتی ممکن است سالانه ۱۰۰ میلیون دلار از این کار درآمد داشته باشند. برخی سالیان متوالی پول خود را از دست می‌دهند و در نهایت تسلیم می‌شوند و از بازار کنار می‌روند، که این یک انتخاب عاقلانه است.

من یکی از آن افراد خوش شانس هستم، در سن ۱۵ سالگی شروع به معامله‌گری کردم و درآمد نسبتاً خوبی را از بازارها کسب می‌کنم و توانستم زندگی بسیار خوبی برای خود دست و پا کنم. دلیل کسب پول من از بازارها این است که می‌توانم رفتار قیمت و چارته‌ها را به درستی بخوانم. من واقعا معتقدم که این یک معیار تجربه و شهود است. من استراتژی‌های اساسی را آموزش دیده بودم، اما تنها رمز موفقیت که به من کمک کرد تا بازارها را فیلتر کنم و بفهمم که چه چیزی در مقابلم در حال وقوع می‌باشد، تجربه است که متاسفانه نمی‌توان این مورد را از طریق آموزش به کسی انتقال داد، و باید خود افراد با تمرین زیاد آن را بدست آورند.

بدیهی است که برخی استراتژی‌های بسیار ابتدایی برای کمک در این بازی که ما آن را معامله‌گری می‌نامیم، وجود دارد. برخی آن استراتژی‌ها را در سطح عمومی بازی خواهند کرد، برخی به سطح پیشرفته حرکت خواهند کرد، برخی هنر را کامل خواهند کرد و تبدیل به معامله‌گران حرفه‌ای می‌شوند و استراتژی‌های مخصوص به خود را پیاده‌سازی می‌کنند.

نکته کلیدی

به یاد داشته باشید، یک تشخیص معاملاتی قدرتمند، حاصل سال‌ها تجربه در معامله‌گری است. با گوش دادن به مربیان معامله‌گری، یا مطالعه در مورد مفاهیم معاملاتی مختلف مثل این دوره‌ی آموزشی و تمرین مباحث، روش معامله‌گری صحیح به ناخودآگاه ما منتقل شده و در آینده به صورت خودکار و بدون نیاز به تفکر زیاد به راحتی معاملات رفتار قیمت خوبی را انجام خواهیم داد.

واقعیات معامله گری

تشخیص یک موقعیت معاملاتی خوب، کلید موفقیت است، اما این تشخیص تنها پس از سال‌ها تجربه در بازار به دست می‌آید. سؤال اینجاست که چگونه یک معامله‌گر مشتاق و تازه‌کار مانند شما امیدوار است که به موفقیت دست پیدا کند؟ من اغلب چنین سوالی را دریافت می‌کنم؟...

بدون حاشیه به شما می‌گویم، حقیقت این است که تمام معامله‌گران بزرگ باید «تلاش‌های سخت» را انجام دهند. همانند یادگیری راه رفتن توسط یک کودک نوپا، معامله‌گران باید راه رفتن در بازارها را یاد بگیرند.

تنها راه میان‌بر، پیدا کردن یک مربی از جمه خودم، و همچنین جستجو برای یافتن استراتژی‌های معامله گری رفتار قیمت، و کسب تجربه با آنهاست.

چارچوبهای زمانی کوتاه تر، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی هستند، بنابراین، معامله در یک چارت ۵ دقیقه‌ای می‌تواند یک ابزار یادگیری سریع باشد، حتی اگر یادگیری شما «آنچه که نباید انجام دهید» باشد، تجربه، چه خوب یا چه بد، تجربه است...

به طور خلاصه، سفر در مسیر موفقیت معاملاتی، به صورت غیرقابل اجتنابی شامل صرف زمان در پشت صفحه نمایش کامپیوتر و کسب دانش بازار است. هدف این دوره‌ی آموزشی، راهنمایی و کمک به شما در تفسیر داده‌ها می‌باشد. شما باید هنر خواندن چارتها و رفتار قیمت را مدیریت کنید.

در حالی که من نمی‌توانم به شما قول موفقیت در معامله‌گری را بدهم، اما صادقانه معتقدم اگر شما اطلاعات موجود در این دوره را خوب فرا بگیرید، و به مطالعه و کاربرد استراتژی‌های مربوط به رفتار قیمت و معامله حوزه‌های ارزش در روندها ادامه دهید، شانس شما برای تبدیل به وضعیت حرفه‌ای، ۱۰۰ برابر خواهد شد.

بیایید شروع کنیم...



مفهوم معامله گری فارکس

معامله‌گری جهت‌دار فارکس، هنر استفاده از حرکات قیمت در بازار معاملات بین بانکی و یا بازارهای سرمایه، برای کسب سود است. معامله‌گران ممکن است در یک معامله برای یک ثانیه یا یک دهه (۱۰ سال)، بسته به روش معاملاتی و برنامه‌ی معامله‌گری، درگیر باشند.

تمرکز ما عبارت است از دید کوتاه مدت از تسهیل قیمت از نقطه x به نقطه y برای سود بردن از جنبش‌های بازار، ما باید جهت قیمت را به درستی پیش‌بینی کنیم، یک ورودی برای معامله اتخاذ کنیم، سپس پوزیشن را بین سطح حدضرر از پیش تعیین شده و سطح سود، مدیریت کنیم.

برای پیروزی در بلند مدت، معامله‌گران باید یک برنامه‌ی معاملاتی با یک سیستم خوب آماری را توسعه دهند. رفتار قیمت، روندهای بازار، و حمایت/مقاومت به ابزار معاملاتی ما در ایجاد این سیستم تبدیل شده‌اند.

هر ستاپ معاملاتی دارای درجه‌ی منحصربه‌فردی از نسبت پاداش به ریسک است. عمل کردن به این جمله کلیشه‌ای «برنده‌های خود را بزرگتر از بازنده‌هایشان کنید»، مهم‌ترین راه برای ثروتمند شدن است. اغلب، معامله‌گران تمرکز خود را از دست می‌دهند، و فراموش می‌کنند که هر معامله می‌تواند به طور واقع بینانه‌ای به آن‌ها سود دهد. بازارها در خطوط مستقیم حرکت نمی‌کنند، با این حال معامله‌گران برای مدت طولانی انتظار یک برد عظیم را دارند، و به زودی ... آن‌ها شاهد ناپدید شدن این سودها خواهند بود. باید از رفتار حریصانه‌ی خود دست بکشید و قوانین خود را تنظیم کنید. پاداش مدنظر برای تنظیمات معاملاتی من حدود ۳ تا ۴ برابر ریسک است، و من خوشحالم که این نوع پاداش را در نظر

گرفتم. به این معنی است که من می‌توانم در هر ۳ یا ۴ معامله ۱ معامله برنده شوم و هنوز هم سود مناسبی در یک سری از معاملات به دست بیاورم.

به هنگام معامله‌گری در بازار فارکس، در واقع به طور موثر در حال اداره یک شرکت بازرگانی هستیم. خسارات معاملاتی هزینه‌های کسب و کار هستند، برنده‌ها، درآمد ما هستند. در بدترین شرایط، با توجه به اندازه‌ی حساب ۱۰۰۰۰ دلاری، ما باید در این شرکت سالیانه ۵۰۰ درصد سود کنیم تا زندگی خود را بچرخانیم! درخواست چنین چیزی مشکل است؟ درسته!

یک سیستم معاملاتی برنده‌ی قدرتمند

معامله‌گران باید از روش‌هایی که سیستم قدرتمندی دارند برای ورود به معاملات استفاده کنند، حتی اگر این سیستم برنده، کوچک باشد، ما با استفاده از یک مکانیزم ورودی که تمایل به تکرار خودش دارد، برای ورود تصادفی استفاده می‌کنیم.

بسته به نسبت ریسک به سود "سیستم"، اندازه برد می‌تواند ۲۵ درصد از کل معاملات باشد. هرچه نسبت پاداش به ریسک بالاتر باشد، نرخ برد مورد نیاز کاهش می‌یابد. هرچه نسبت پاداش به ریسک پایین تر باشد، نرخ برد مورد نیاز بیشتر خواهد شد.

روشهایی در یک سیستم برنده‌ی ساده در بازار وجود دارند که به همراه نسبت پاداش بالا در مقابل ریسک کم، باعث می‌شوند که معامله گر در بازی معاملاتی نگه داشته شود.

به طور طبیعی بسیاری از عوامل کلیدی وجود دارند که با یکدیگر همکاری کرده برای ثبت یک معامله در یک سیستم قدرتمند، مانند اندازه پوزیشن و ...

تمام معامله گرانی که در بازار فارکس شکست می خورند، همانند یک قمارباز در کازینو عمل می کنند. آن ها فاقد دانش هستند و قطعاً هیچ روش معاملاتی ندارند. هیچ برنامه ای، و هیچ مدیریت مالی یا مدل حمایتی وجود ندارد، و این «جویندگان هیجان» قطعاً اشتیاق لازم برای موفقیت مستمر و بلندمدت ندارند ... اگر می-خواهید برنده شوید، باید بر خلاف این جمعیت بزرگ بازندگان رفتار کنید.

یک سیستم قدرتمند، یک رویداد اثبات شده و تکراری قیمت در بازار است، که بعنوان یک «سیگنال» برای معامله گر عمل می کند، تا با توجه به آن، یک سفارش در بازار ایجاد کند.

آن معامله گرانی که معتقدند، معامله یک فرآیند مکانیکی است، خود را فریب می دهند. اکنون باید خودتان را با حقایق موجود رودرو کنید. شما جهت درک اینکه معامله گری واقعاً چیست این دوره را سپری خواهید کرد.

شما باید یاد بگیرید که چارت و رفتار قیمت را مطالعه کنید، و بالاتر از همه، باید یاد بگیرید که بدون احساس، روی سیگنال های رفتار قیمت، اقدام کنید.



شکل: ۱ مثالی از نسبت ریسک به پاداش

جدول ۱ فهم ریسک به پاداش

استراتژی برنده ۱۲% سود در هر معامله	ریسک در برابر پاداش	ریسک در هر معامله	بردها	باختها	سودکلی
۵۰%	۲ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۶	۶	۵۰۰۰ دلار
۳۳%	۲ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۴	۸	۰ دلار
۲۵%	۴ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۳	۹	۳۰۰۰ دلار

۷ نکته ی اصلی ورود به معامله توسط نایل فولر

۱. به شرکت کنندگان دیگر در بازار فکر کنید و، روی سیگنال های خود بدون احساس اقدام نمایید.
۲. از یک چارت قیمت ساده و عریان (بدون شاخص های جادویی) استفاده نمایید.
۳. از چارچوب های زمانی ۱ ساعته یا بالاتر استفاده کنید.
۴. از الگوهایی که به راحتی شناسایی می شوند، استفاده کنید.
۵. به دنبال الگوهایی باشید که اغلب در چارچوب زمانی مورد معامله ی ما، خود را تکرار می کنند.
۶. از رفتار قیمت به عنوان تایید استفاده کنید، قبل از آن وارد نشوید!
۷. در هنگام شروع یادگیری، در مسیری معامله کنید که کمترین مقاومت (فشار روند چارت روزانه ی کوتاه مدت) وجود داشته باشد.

به گل نشسته در جزیره ای بی آب و علف



تصور کنید که در جزیره ای بی آب و علف قرار دارید، و قبل از ترک خانه، می توانید تنها ۳ روش معاملاتی با خود ببرید، کدام روش ها را انتخاب می کنید؟ این روند فکری برای انتخاب روش های معاملاتی روزانه ی هر معامله گری است. موفقیت بلند مدت با انتخاب یک دست پر از روش های ورود خوب و تسلط بر آنها آغاز می شود! مدام انتخاب خود را تغییر ندهید.

عادات ذهنی برندگان

خصلت شماره ۱ تمام معامله‌گران، صبر است. صبور باشید و منتظر ستاپهای معاملاتی مورد نظر خود بمانید، تنها برای بودن در یک معامله، وارد هر معامله‌ای نشوید. معامله‌گران بزرگ اغلب از «بی‌طرف بودن» یا در پوزیشن نبودن، به عنوان سودمندترین ستاپهای معاملاتی یاد می‌کنند.

هنگامی که یک ستاپ معاملاتی کامل شناسایی شد، یک معامله‌گر برنده، با نظم و انضباط اقدام خواهد کرد. او تحت تاثیر اخبار اقتصادی، رسانه یا هر عامل دیگر قرار نمی‌گیرد. او شرایط فعلی بازار را مدیریت، و از چارت و رفتار قیمت پیروی می‌کند.

ستاپهایی که میبینید را معامله کنید، چیزی که بازار به شما میگوید را باور کنید، به ندای درونی خود اعتماد کنید.

هیچ وقت وحشت نکنید و در مواجهه با فرصت‌های معاملاتی مضطرب نشوید. به یاد داشته باشید که فردا، دوباره بازار باز خواهد شد و هرگز به دام تمام حرکات بازار نیافتید. از «سوپرمن» بودن پرهیز کنید، شما انسان هستید! نه انسانها و نه بازار، هیچکدام بی‌نقص نیستند.

اگر تنها احساس خوبی نسبت به ستاپ معاملاتی ندارید، و سیگنال رفتار قیمت فعلی مخالف آشکارترین روند میان دوره است، از آن دور بمانید. سعی کنید پیرو یک روند باشید، نه یک قهرمان که تمام سقف و کف‌ها را معامله می‌کند. البته، موارد استثنائی نیز وجود خواهد داشت، اما وقتی معامله‌گری را شروع می‌کنید، سعی کنید پیرو روند باشید.

اگر یک ستاپ معاملاتی را از دست دادید، قیمت‌ها را دنبال نکنید، اغلب روندها همواره تا حدودی باز می‌گردند و فرصت دیگری برای ورود فراهم می‌کنند. برخلاف اعتماد به نفس شما، من از ورودی‌های دیر هنگام اجتناب می‌کنم و منتظر یک سیگنال قیمت دوم می‌مانم.

رفتار قیمت ردپای پول

رفتار قیمت به تنهایی مهم‌ترین چیزی است که معامله‌گران می‌بایست در معاملات روزانه‌ی خود به آن اهمیت دهند. رفتار قیمت، کلید فراگیر برای تمام جنبه‌های معامله‌گری سودآور است.

رفتار قیمت هر چیزی که در بازار اتفاق می‌افتد را در هر لحظه در نظر می‌گیرد.

رفتار قیمت، وضوح بسیار بالایی به شما خواهد داد، که جایگاه قیمت، سطوح کلیدی، الگوها و سیگنال‌های کندل‌های قیمت را به شما نشان می‌دهد.



شکل: ۲

یک چارت کندل استیک واضح و خام، مانند آنچه که در شکل ۲ نشان داده شده است، باید مورد استفاده-

ترین ابزار در هر دستگاه معامله‌گری باشد.

استفاده از اندیکاتورهای جادویی را کنار بگذارید، چرا که با این کار تنها خود را فریب می‌دهید.



شکل: ۳

در پایان این درس، شما باید بتوانید همه چیز را در این چارت شناسایی کنید و سپس یک استراتژی معاملاتی کامل خواهید داشت

حقیقت معامله گری

پس از این که یک ستاپ معاملاتی رفتار قیمت ایجاد می شود، هیچ قانون سختگیرانه ای برای ورود به معامله وجود ندارد. نکته ی کلیدی این است که سیگنال ها را بشناسید و سپس همراه با بازار، فرایند یادگیری را طی کنید.

اصول روندها و بازگشت به میانه

- کشف روندهای اصلی
- درک بازگشت به میانه
- قوانین بازار جهانی

چارچوب های زمانی و روندها

چارچوب های زمانی

چارچوب های زمانی ایده آل محدودی فواصل بین ۱ ساعته، ۱ روز تا ۱ هفته هستند.

چارچوب های زمانی بزرگ تر، تمایل دارند تا سیگنال های قیمت قابل اعتمادتری ارائه کنند. به این معنی که تشکیل یک روند در چارت هفتگی یا روزانه اهمیت بیشتری نسبت به یک چارت ۱ یا ۴ ساعته دارد. یک الگوی معاملاتی در چارت ۱ ساعت بیش از یک چارت ۵ دقیقه ای و غیره دارای قابلیت اطمینان بیشتری خواهد بود.

معامله گری در یک چارت ۱ ساعته، قابل اعتمادتر از چارت ۳۰ دقیقه ای است، و یک چارت روزانه قابل اعتمادتر از یک چارت ۴ ساعته اما از نظر درک روند و نیز شناسایی الگوهای معاملاتی مانده هم هستند. دوباره، هر چه چارچوب زمانی بالاتر باشد، اهمیت هر سیگنال یا الگو بیشتر خواهد بود.

روندها

جهت بازار، گرایش بازار یا روند نامیده می شود.

میانگین متحرک ۱۰۰ در چارت روزانه موضع بیشتری نسبت به یک میانگین متحرک ۲۱، بر همان روند دارد.

واضح‌ترین روندها در چارت روزانه دیده می‌شود، اگر به یک جهت برود، از چپ به راست، چه بالا و چه پایین، شما شاهد یک روند هستید. روندها می‌توانند کوچک یا بزرگ باشند، به افق زمانی و چارچوب زمانی شما بستگی دارد.

فشار مقابله با روند کوتاه مدت (جنبش‌ها در برابر روند وسیع تر) معمولاً بی نتیجه هستند و منجر به شکست‌های پی در پی می‌شوند. بیش از ۷۰ درصد از حرکات خلاف روند با شکست مواجه می‌شوند، بنابراین مهم است که تلاش کنیم تا جایی که ممکن است، همراه با روند بمانیم.

روندهای غالب بازار، مانند مقایسه یک کشتی مسافرتی با یک قایق سرعتی هستند، روندهای غالب کند و سخت‌گیر می‌باشند و زمان زیادی را برای دستیابی به مومنتوم صرف می‌کنند. آنها مهمترین تاثیر بر رفتار قیمت در تمامی چارچوب‌های زمانی مورد استفاده هستند.

روندهای کوتاه‌مدت که در ارتباط با روندهای بلند مدت هستند، منجر به تداوم و افزایش پتانسیل سود و همچنین افزایش سناریوهای تناسب پاداش به ریسک می‌شوند.

قوانین بازار

طی سالهای اخیر، بازارها به یک استخر بسیار بزرگ شرطبندی‌های کمی بر روی جنبش‌های قیمت تبدیل شده‌اند.

بدین معنی که صندوق‌های مالی بزرگ^۵ پوزیشن‌های معاملاتی خود را براساس این موارد می‌گیرند:

- با تعصب بسیار آگاهانه براساس مدل‌های کمی پیچیده
- مدل‌های سرمایه‌گذاری و معاملاتی مبتنی بر رایانه
- تحلیل بنیادین.

این جزر و مد باعث ایجاد حرکت بازار، گردش بازار و رفتار قیمت می‌شود.

هیچ عامل تشخیصی که حرکت بازار را هدایت کند وجود ندارد، بلکه یک گروه از کاتالیزورها هستند که نقاط عطف، نوسانات و روندها را ایجاد می‌کنند.

قیمت در اطراف نقطه‌ی مرکزی، که «میان» یا میانگین متحرک نامیده می‌شود، حرکت می‌کند. روند و رفتار نوسانی قیمت، همیشه یا به سمت میانه یا برای دور شدن از میانه حرکت می‌کند. همه به عنوان معامله‌گر، هنگامی که یک روند مشخص شناسایی می‌شود، در راستای شیب میانه حرکت می‌کنیم. معامله‌گران پیشرفته نیز در منتهی درجه (مناطق دور از میانه)، در تلاش برای به دست آوردن سود حاصل از بازگشت قیمت به سمت میانه، معامله خواهند کرد. با این حال، زمانی که یک سیگنال قیمت ثبت می‌شود، آنها اغلب این روش را بکار می‌گیرند.

Hedge funds ۵

معامله در منتهی درجه، زمانی سودآور است که فشاری بر روی روند اصلی وجود نداشته باشد، مثال: تغییرات دوره‌های رنج به خنثی در بازار.

معامله با یک روند، و معامله در منتهی درجه، ۲ استراتژی متفاوت هستند و بعداً در این دوره به تفصیل مورد بحث قرار خواهند گرفت. قابل اعتمادترین وقایع در بازارها، خطوط میانه (قیمت متوسط)، حمایت و مقاومت استاتیک (سطح افقی ساده)، پشتیبانی متحرک پویا (میانگین متحرک رونددار، نقاط نوسان/نقاط پیوت) و البته، سیگنال‌های رفتار قیمت می‌باشند.

معاملات بر خلاف روند، شانس موفقیت کمتری دارند، مگر اینکه سیگنال رفتار قیمت از یک سطح اصلی باشد، ما از مبارزه با حرکت قیمت اجتناب می‌کنیم.

هر الگوی معاملاتی یا رویدادی در بازار، همواره بر روی متغیرهای بالا تاثیر می‌گذارد. آیا قیمت، محدوده حمایت را حفظ می‌کنند؟ آیا این یک شکست کاذب ایجاد می‌کند؟ آیا قیمت می‌شکند؟ این سیگنال رفتار قیمت، صعودی یا نزولی است؟ آیا معامله در خط همسو با این روند است یا در حال حرکت به میانه، و یا مخالف روند و غیره است؟ اینها سوالاتی هستند که ما باید یاد بگیریم که چگونه برای آنها پاسخ مناسبی فراهم کنیم، و همچنین بر اساس آنها معامله کنیم.

معرفی بازگشت به میانه

بازگشت به میانه قلب تمام جنبش‌های بازار است. قیمت‌ها یا در حال دور شدن از میانه هستند و یا به سمت میانه حرکت می‌کنند. ما دو نوع نوسان کم و زیاد روند داریم. در نوسان زیاد روند، مشاهده می‌شود که بازار به طور قابل توجه همواره در یک جهت قبل از وقوع اصلاح، حرکت می‌کند. در نوسان کم، نوسانات کوچکی

را حول و حوش میانه خواهید دید. (محدوده معاملاتی یا شیب کم خط میانگین متحرک).

این یک حقیقت معروف است که تمام روندها، حتی اگر روزها، هفته‌ها یا سال‌ها به طول انجامند، زمانی در آینده اصلاح خواهند شد، میانه (میانگین متحرک) مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. اگر این منطق را به چارچوب‌های زمانی کوتاه مدت اعمال کنیم، می‌توانیم پول خوبی بدست آوریم.

به طور خلاصه، قیمت‌ها همواره از قیمت منتهی درجه بیرونی به یک نقطه‌ی مرکزی بر می‌گردند و همواره از نقطه‌ی مرکزی به سمت منتهی درجه بیرونی دور می‌شوند. این مفهوم اصلی تمام مدل‌های کمی در امور مالی است. (تصویر ۴ را ببینید)



شکل: ۴

برگشت به میانه

برخی از نکاتی که باید بدانید

- ✓ میانه به عنوان یک خط روند پویا (نقاط ارزشی) عمل می‌کند.
- ✓ اگر قیمت در حال حرکت به سمت و یا دور شدن از میانه باشد، می‌توان انتظار حرکت تا حد متوسط محدوده واقعی برای آن دوره را داشت. به این معنی که ما انتظار داریم، بازار یک فاصله آماری خاص را قبل از تاخیر یا ادامه‌ی روند، حرکت کند.
- ✓ روند گسترده‌تر قیمت در خط، همجهت و با جهت میانگین متحرک بلندمدت حرکت می‌کند. به همین دلیل است که حرکت‌های خلاف روند با شکست مواجه می‌گردد و باید نادیده گرفته شود. ما باید سعی کنیم از واکنش‌های خلاف روند فاصله بگیریم. ساده‌تر بگوییم، ما نقاط قوت در بازارهای در حال سقوط را می‌فروشیم و ضعف در بازارهای صعودی را می‌خریم.

بازارها برای حرکت به پایین باید به بالا و برای حرکت به بالا باید به پایین جابجا شوند.

نوسان قیمت، محدوده‌ی معاملاتی و روندها، همگی یک قانون ساده را به همراه خود دارند: قیمت‌ها باید بالا بروند تا پایین بیایند، و پایین بروند تا بالا بیایند.

با دانستن این موضوع، اکنون می‌توانیم درک کنیم که چرا قیمت‌ها جهت حرکت خود را تغییر می‌دهند. همچنین به همین دلیل بسیاری از آنها به عنوان فرصتی برای انجام معامله در جهت مخالف روند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

چند بار می بینید که یک الگوی شکست، ناکارآمد می شود؟ چند بار می بینید، که یک جفت ارز فارکس، سقف یا کف جدید تشکیل داده و سپس در جهت مخالف حرکت می کند؟

این بازار فارکس است... بازی معاملاتی برای فریب شما طراحی شده است، تا شما را گمراه کرده و اعصاب شما را آزمایش کند. اگر معامله گری آسان بود، همه ی ما ثروتمند می شدیم، به همین دلیل است که استراتژی های ساده کتب درسی کارآمد نیستند، و معامله گران ساده لوح که نمی توانند با ایده های جدید سازگار شوند، بارها و بارها شکست می خورند.



شکل: ۵

بازارهای فارکس تمایل به مخالفت دارند، در نتیجه به همین دلیل شکست های، کاذب موقعیتهای بیشماری ایجاد می کنند. همانطور که گفتم، بازارها برای حرکت کردن، باید این کار را انجام دهند.



شکل: ۶



شکل: ۷

تفکر در خارج از چهارچوب...

راه اندازی محیط معاملاتی روی چارت



شکل: ۸



شکل: ۹

در معامله‌گری نباید بر روی بیش از ۴ چارت: ۱ ساعته، ۴ ساعته، روزانه و هفتگی تمرکز کنیم.

از چارت ۱ ساعته و روزانه برای تحلیل روند استفاده می‌کنیم.

برای چارت ۱ ساعته این تنظیمات را انجام می‌دهیم: نوع نمودار کندل استیک و رنگ چارت یک رنگ ساده وانیلی بوده که روی آن دو میانگین متحرک نمایی^۷ ۱۵۰ و ۳۶۵ نصب می‌گردد. (شکل ۹)

برای چارت روزانه این تنظیمات را انجام می‌دهیم: نوع نمودار کندل استیک و رنگ چارت یک رنگ ساده وانیلی بوده که روی آن دو میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ نصب می‌گردد. (شکل ۸)

چارت هفتگی برای تحلیل روند کوتاه مدت ما استفاده نمی‌شود، اما بدیهی است که در حالت ایده‌آل، از آن برای ترسیم سطوح کلیدی و پیدا کردن رفتار قیمت مانند پین‌بار و کندل‌های درونی^۸ استفاده می‌کنم. ما یک میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ هفتگی به این نمودار اعمال می‌کنیم.

نمودار ۲۴۰ دقیقه‌ای برای آنالیز رفتار قیمت و تنظیمات ورودی استفاده می‌شود، این یک چارت «راهنما» خالی از اندیکاتور یا میانگین متحرک بوده و تنها داده‌های قیمت خام بر روی آن نمایش داده می‌شود. همچنین از آن برای تشخیص سطوح کلیدی و رفتار قیمت نیز استفاده می‌گردد.

EMA ۷

Inside bars ۸



شکل: ۱۰

میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵

مطالب مهمی در مورد نحوه استفاده از میانگین‌های متحرک نمایی بلندمدت وجود دارند که باید بدانیم.

تنظیمات ۱۵۰ و ۳۶۵ برای میانگین‌های متحرک نمایی اعدادی با ارزش پویا هستند، که بازارها اغلب به این

سطوحی که توسط میانگین‌های متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ ترسیم می‌شوند بعنوان سطوح ارزشمند و پویا رفتار می‌کنند. بازارها اغلب به این سطوحها، در تمام دوره-های بازار، احترام می‌گذارند، اغلب میتوان واکنش قیمت به این سطوح را چه در بازارهای رونددار و چه در بازارهای رنج، مشاهده کرد.

سیگنال‌های رفتار قیمت اغلب درون یا در اطراف سطوح مختلف رخ می‌دهند.

آن‌ها به شناسایی روندها کمک می‌کنند، هنگامی که قیمت زمان بیشتری را در یک طرف میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ سپری می‌کند، ما می‌دانیم که بازار دارای یک روند است.

شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰، سیگنال حرکت و رفتار روند را نشان می‌دهد. هر چه شیب آن بیشتر باشد، بیشتر متقاعد می‌شویم که قیمت‌ها را در بر دارند. ما تنها از شکست میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ توسط کندلها استفاده نمی‌کنیم، بلکه از سطوح و شیب میانگین نیز بهره می‌بریم. اغلب معاملات پیش از عبور کامل از خط، انجام می‌شوند، اینها تنها تاییدیه‌های اضافی برای ما هستند، و سپس می‌توانیم با استفاده از اصلاحات بعدی به سوی میانگین متحرک، به راحتی پوزیشن‌هایی را در سطوح پایین ریسک وارد کنیم.

هر گونه تحلیل روند می‌تواند به عنوان یک راهنما عمل کند و باید به طور ایده‌آل با دیگر روش‌های آنالیز، از قبیل رفتار قیمت و نقاط نوسان افقی ترکیب شود. (در مطالب بعدی، بیشتر درباره‌ی آنها توضیح داده خواهد شد).

به زودی پس از مدتی تمرین، خواهید دید که چگونه این میانگین متحرک، قیمت‌ها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.



شکل: ۱۱

میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ در چارچوب یکساعته

میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱

هنگامی که میانگین متحرک نمایی ۸ روز از بالا یا پایین میانگین متحرک نمایی ۲۱ روز بگذرد، می توان فرض کرد که یک روند کوتاه مدت قدرتمند در حال حاضر وجود دارد. این حرکت اینگونه تفسیر می شود که عبور میانگین های متحرک از روی یکدیگر به معنای یک حرکت خلاف روند کوتاه مدت تلقی می گردد، آنها کامل نیستند، و مسیری که از یکدیگر عبور می کنند، در ابتدا می توانند یک راهنمای بسیار دقیق باشند جهت یک عبور در جهت مخالف.

به طور شگفت انگیزی، قیمت می تواند برای چندین روز متوالی بعد از میانگین متحرک ۸ و ۲۱، بسته شود، اما از میانگین متحرک عبور نخواهد کرد. این روند اغلب نشانه ادامه دار بودن روند است. من آنها را به عنوان یک راهنمای سریع

دوست دارم، زیرا دقیق هستند و واکنش‌پذیری سریعی ندارند، مدتی طول می‌کشد تا سیگنالی ارائه کنند و می‌توان گفت که یک فیلتر روند ایده‌آل هستند.

بعد از عبور دو خط از یکدیگر، زمانی که اصلاحی در بازار صورت گرفت - حتی ممکن است اصلاحی صورت نگیرد و قیمتها به خوبی بالای ۲ خط به حرکت خود ادامه دهند؛ اغلب شاهد یک جهش سریع در قیمتها هستیم. این بدان معناست که به عنوان یک راهنما، بازارها از این سطوح برای یافتن ارزش استفاده می‌کنند و از آنها دور می‌شوند. (شکل ۱۲ را مشاهده کنید)

طبیعتاً، زمانی که تحرکی قدرتمند وجود داشته باشد، خطوط میانگین به بهترین شکل کار می‌کنند.

ما از آنها به عنوان ابزار کاهنده استفاده کرده تا حوزه‌ی فرصتها را شناسایی نماییم. ما اغلب از آنها در ترکیب با رفتار قیمت استفاده می‌کنیم.

آنها یک استراتژی معاملاتی خالص نیستند، بلکه ابزاری برای ترکیب با رفتار قیمت هستند. من بر اساس عبورهای (کراس‌ها) میانگین متحرک معامله نمی‌کنم، به خودی خود، این کار بی‌فایده است.



شکل: ۱۲

میانگین نمایی ۸ و ۲۱ روزه

روندهای چرخشی و ناقص

روند ۱ ساعته اغلب می‌تواند فرّار بوده، و همیشه کامل نباشد، برخی از جفت ارزها در یک مسیر به مدت چند روز رونددار خواهند شد، اما قیمت‌ها تمایل دارند که قبل از اصلاح، از میانه فاصله بگیرند، مثال شکل ۱۳ را ببینید....

این خصوصیت مهم شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ است، قیمت‌ها شروع به افزایش حرکت و احترام بیشتر به آن می‌کنند، همانطور که در این چارت می‌توان مشاهده کرد، در این مثال، قیمت بیش از ۳۰ پیپ از میانه فاصله گرفت، اما بعد به سرعت معکوس شد.



شکل: ۱۳

در یک چارت روزانه، اغلب، زمانی که بازار درون یا بعد از میانه بسته می‌شود، معکوس خواهد شد. این ویژگی بسته شدن، به بسیاری از معامله‌گران اجازه می‌دهد تا در محل بسته شدن کندل روزانه، وارد معامله شوند. به همین دلیل است که اغلب، بازار رونددار است، اما هنوز هم در این فرآیند نوسان می‌کند.

شکل پایین (شکل ۱۴) یک چارت روزانه از همان دوره به صورت چارت ۱ ساعته (شکل ۱۳) است. توجه داشته باشید، زمانی که قیمت در بالای میانگین متحرک نمایی ۸ روز بسته می‌شود، بازار به فروش می‌رسد. این واقعه، نوسان نامیده می‌شود. قیمت‌ها بر می‌گردند تا میانه را آزمایش کنند و سپس دوباره به طور بالقوه از محل میانه فاصله می‌گیرند. همه چیز حول نقطه‌ی مرکزی جریان دارد. و به عبارت دیگر: ما یا در حال حرکت برای دور شدن از ارزش و یا بازگشت به سمت آن هستیم.

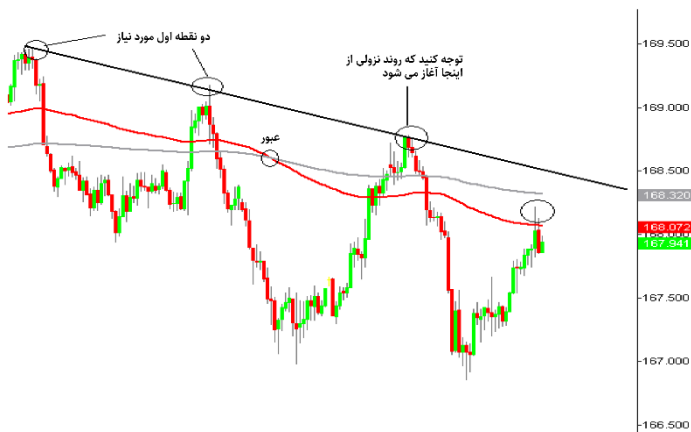
هنگامیکه روند متغیر و نوسانی وجود داشته باشد، شیب میانگین متحرک نسبت به سطح آن، با اهمیت‌تر است.



شکل: ۱۴

چگونه یک خط روند را رسم کنید؟

برای ۲ نقطه اول صبر کرده و یک خط از میان آنها رسم کنید، بسیار ابتدایی است!



شکل: ۱۵

چگونگی رسم صحیح خط روند



شکل: ۱۶

مراقب خطوط روند باشید

روندهای کامل سرخ‌هایی فراهم می کنند

هنگامی که بازار به خوبی رونددار است، رفتار قیمت اغلب سرخ‌هایی فراهم می-آورد، زیرا به سطح میانگین متحرک احترام می‌گذارد و در جهت مخالف آن را دفع می‌کند. زمانی که یک معامله‌گر شروع به تشخیص این نشانه‌ها در چارت‌های ۱ ساعته و حتی روزانه می‌کند، می‌تواند ورودی معامله را از یک نقطه با ریسک پایین باز کند.



شکل: ۱۷

معامله گران، یا کورکورانه در سطح میانگین متحرک وارد می شوند، یا منتظر تایید از طریق سیگنال رفتار قیمت هستند؛ مانند پین بار، درون کندل، شکست خط روند و غیره.

شما در طول زمان متوجه خواهید شد که وقتی یک بازار رونددار است، همواره سرنخ هایی را ارائه می دهد و همیشه فرصت هایی برای «ورود»، در هنگام امتحان مجدد میانگین ها، فراهم می کند.

جامعه‌ی معامله‌گری از میانگین متحرک به درستی استفاده نمی‌کند، زیرا آنها بر روی عبور خطوط، بیش از شیب و سطوح تمرکز دارند. روندها می‌توانند سرخ‌هایی را ارایه دهند، پس مراقب آنها باشید.



شکل: ۱۸

روندهای کامل بیشتر در چارتهای ساعتی



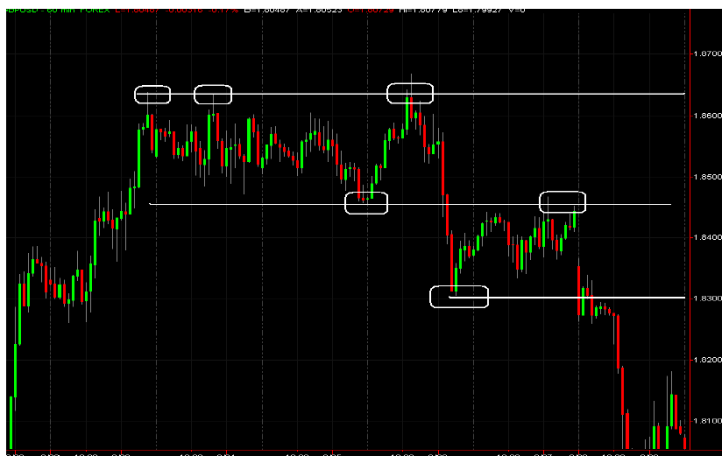
شکل: ۱۹

سیگنال حرکت قوی واگرایی میانگین های متحرک



شکل: ۲۰

حمایت و مقاومت روند (ماهیت اولیه)

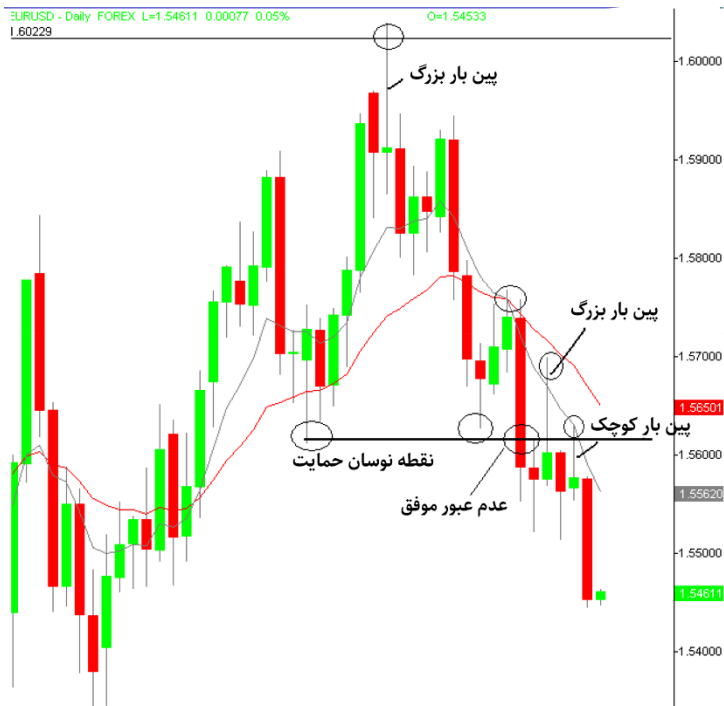


شکل: ۲۱

حمایت و مقاومت درون روز

نقاط نوسان حمایت و روندها

بازار سقفها و کفها را می‌سازد و نقاط نوسان را شکل می‌دهد. اینها سطوح مرجع کوتاه‌مدت هستند و نیازی به مورد تایید قرار گرفتن، ندارند. برای مثال اگر بازار پایین برود و به نقطه X بازگردد، یک نقطه‌ی نوسان حمایت باقی خواهد گذاشت. اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و نقطه X باز نگردد، نقطه X به نقطه نوسان مقاومت تبدیل می‌شود.



شکل: ۲۲

توجه داشته باشید که حمایت در این چارت *EURUSD* لزومی به تایید شدن، ندارد، بلکه می‌تواند یک نقطه‌ی نوسان یا سطح مرجع باشد، زمانی که بازار در حال حرکت برای ساخت نوسان سقف و کف است، آنها در طول زمان به سطوح کلیدی واضحی تبدیل می‌شوند. به شکل بالا شماره ۲۲ نگاه کنید.

این مثال نشان می‌دهد که روند از یک سیگنال پین‌بار بزرگ سقوط می‌کند، آنگاه به کندی کاهش می‌یابد، همراه با میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ روز سرانجام از سمت پایین عبور می‌کند، بازار در نهایت موفق به ایجاد نوسان حمایت نمی‌شود

و خاتمه می‌یابد. همچنین ورودی‌های چندتایی رفتار قیمت وجود دارد که ما می‌توانستیم وارد آنها شویم، و بعداً در مورد آنها بحث خواهیم کرد.



شکل: ۲۳

نشانه گذاری بازار با نقاط نوسان

خلاصه مبحث روند

ما هرگز نمی‌دانیم که چه زمانی یک روند جدید آغاز و چه زمانی تمام می‌شود، ما منتظر آغاز و سپس معامله در درون آن هستیم.

اصلاح اول و دوم، همواره بعد از یک روند جدید مهم هستند.

در یک چارت ۱ ساعته، بهترین حوزه‌های ارزشی کوتاه‌مدت، میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ یا ۳۶۵ هستند. هنگامی که شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ به وضوح در یک جهت و نه مسطح باشد، این روند فرصت خوبی برای محترم شمرده شدن دارد و این سطح، اغلب مقاومت خواهد بود.

میانگین متحرک واگرا، همانند حرکات قیمت، نشان دهنده‌ی تمایل و روند پر شتاب است. میانگین‌های حرکت کلیدی اغلب با سطوح اصلاحی و حمایت یا مقاومت افقی همخوانی دارند. **هنگامی که با یکدیگر ترکیب می‌شود، قدرتمند خواهند شد، ما این را تلاقی مقاومت پویا می‌نامیم.**

ستاپهای روند مستعد «از دست دادن پول» هستند، به این معنا که تمام آنها سودآور نخواهند بود. برخی از ستاپها به سادگی در زمانی که بازار مستقیماً از میان میانگین متحرک عبور می‌کند، از بین می‌روند. شما هرگز نمی‌دانید چه زمانی و چه موقع این اتفاق می‌افتد، اما این اتفاق رخ خواهد داد!

اگر یک روند را دنبال کنیم، می‌توانیم با نگاه کردن به چارتهای و تایید مسیر با تاثیرات دیگر موارد، از گرفتار شدن در معاملات بد، اجتناب کنیم. دیدگاه‌های خود را با نقاط نوسان، شکست‌های خطوط روند، شکست حمایت و مقاومت، سیگنال‌های رفتار قیمت، و غیره پشتیبانی کنید.

بازار همواره سقف و کف می‌سازد و نقاط نوسان را تشکیل می‌دهد. اینها سطوح مرجع کوتاه‌مدت هستند و نیازی به تایید ندارند. برای مثال اگر بازار پایین برود و در نقطه X بازگردد، نقطه‌ی نوسان حمایت ایجاد می‌شود. اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و به نقطه X باز نگردد، نقطه X به نقطه نوسان مقاومت تبدیل می‌شود. به طور کلی، روند دوست شما است. هنگامی که با رفتار قیمت ترکیب شده و مشهود می‌شود، بزرگ‌ترین معامله‌گران در تمام زمان‌ها، از خلاف روند برای ورود به بازار در جهت نوسان روند وسیع‌تر، استفاده می‌کنند.

برای مثال اصلاحهای قیمتی ۵۵ درصد و ۶۱/۵ درصد، اغلب برای معامله‌ی نوسان روند در کوتاه مدت، خوب هستند.

با این حال، توجه داشته باشید که معامله‌ی اصلاحات، در مقام خود یک شکل هنری دیگر است، و چیزی نیست که من بخواهم در این دوره به طور مفصل به توضیح آن بپردازم.

استراتژی های معامله گری - جمع بندی



شکل: ۳۴

الگوی روند عالی که به میانه احترام می گذارد (احترام به میانگین متحرک)



شکل: ۲۵

الگوی روند عالی که به میانه احترام می گذارد (احترام به میانگین متحرک)

مثالهای فوق، روندهای کامل را نشان می دهند، ما می خواهیم روندها را شناسایی کنیم. روندهای کامل زمانی تشکیل می شوند که قیمت ها مداوماً به میانگین متحرک احترام می گذارند، یعنی معاملاتی عالی که پول را در جیب ما قرار می دهند.

تنها مشخصه بارز میانگین های در حال حرکت واضح، یک شیب خوب آشکار، و رفتار قیمت ضعیف است که تنها با چند کندل کوچک در بالای میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ بسته می شود.

پایین رفتن و ساخت سقف و کف‌های پایین‌تر نیز نشان قوت و تاییدیه‌ای برای این واقعیت است. (عکس آن برای یک روند صعودی صادق خواهد بود).

رفتار قیمت در روندها

یک مسئله مهم:

هنگامی که ما یک سیگنال رفتار قیمت را با یک حوزه‌ی ارزش (میانگین متحرک) ترکیب می‌کنیم، احتمال موفقیت ما افزایش می‌یابد.

رفتار قیمت همیشه در سطوح دقیق رخ نمی‌دهد، قیمت‌ها ممکن است در حال حرکت در طول میانگین یا شکل‌گیری در اطراف آن باشند. آنچه که اهمیت بیشتری دارد، روند اخیر و شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ است. طبیعتاً، زمانی که شاهد یک سیگنال رفتار قیمت عظیم در جهت روند هستیم، احتمال موفقیت افزایش پیدا می‌کند.

3BPUSD - 60 min FOREX L=1.96919 -0.00594 -0.30%

O=1.97416



شکل: ۲۶

مثال: اگر قیمت یک «پین بار برگشتی» از یک حوزه‌ی ارزش، یا در طول یک حرکت رونددار تشکیل دهد، این یک سرخ اتوماتیک برای مسیر آتی روند است. (دوباره این را بخوانید)

بیشترین احتمال برای تمامی معاملات در چارتهای ۱ ساعته و ۲۴۰ دقیقه‌ای زمانی است که معامله‌گران از سیگنال رفتار قیمت برای ورود به مسیر حرکت روند فعلی استفاده می‌کنند.

من دوست دارم در معامله گری، تا حد امکان نزدیک به میانگین متحرک، یا حتی بالاتر از آن باشم، فرقی نمی کند، چه معامله ی رفتار قیمت باشد یا تنها پیوستن به یک روند. پس می دانم که ورود من درون یا بالاتر از «ارزش» فعلی بوده است، و من در جهت حرکت فعلی بازی می کنم.

چرا ما حرکات خلاف روند را برای ورود به پوزیشن ها انتخاب می کنیم؟

جنبش های خلاف روند فرصت های مناسبی برای ورود به معاملات در جهت فعلی بازار یا روند ایجاد می کنند.

بهترین روشها، در زمانی که رفتار قیمت مشهود است، شکل می گیرد.

در مثال شکل زیر (شکل ۲۷) در روند نزولی موجود، سقف ها و کف های پایین تر وجود دارد.

در این مثال، توجه داشته باشید که سقف های بالاتر از نوسان قبلی اهمیت یافته اند و حوزه ای را برای حدضرر یا حداقل ریسک روند را معین می کند.



شکل: ۲۷

قوانین حمایت و مقاومت

من به ندرت حمایت و مقاومت را برای ورود به یک معامله به کار می‌برم، مگر اینکه بخواهم برای تایید رفتار قیمت در سطح یا نزدیک سطح، از آن استفاده کنم. اگر یک روند قدرتمند وجود داشته باشد و من در یک اصلاح معاملهِ^۹ فروش قرار داشته باشم، ممکن است از حمایت و مقاومت برای ورود کم ریسک، استفاده کنم.

به محض شکست، نقاط نوسان به عنوان یک مهار قیمت (حمایت یا مقاومت) در جهت روند عمل می‌کنند. این یعنی جایی که عرضه‌ی قدیمی وجود دارد، تقاضای جدید نیز وجود خواهد داشت، و در آنجایی که تقاضای قدیمی وجود دارد، عرضه‌ی جدید نیز وجود خواهد داشت. این یک ویژگی متغیر بازار است و اساساً تمام روندها را هدایت می‌کند.

Retracement ۹

در افق قیمتی بلندمدت، حمایت و مقاومت استاتیک بیشتر مربوط به نوع معامله‌گری می‌شود. پس زمانی که مطالعه را انجام می‌دهید، چارچوب‌های زمانی بالای ۲۴۰ دقیقه‌ای برای معامله‌گران درون روز، و چارتهای روزانه و هفتگی برای معامله‌گران روزانه ایده‌آل هستند.

حمایت‌ها و مقاومت‌ها، به طور مرتب عوض می‌شوند، به این معنا که حمایت قدیمی تبدیل به مقاومت جدید و مقاومت قدیمی به حمایت جدید مبدل می‌شود. هرچه چارچوب زمانی کوچک‌تر باشد، دقت آن کمتر و تغییرات آن بیشتر خواهد بود.

ما همیشه با حمایت و مقاومت معامله نمی‌کنیم؛ ممکن است از این سطوح برای ایجاد حد ضرر استفاده کنیم. برای مثال اگر ما یک روند بلند مدت را (خریداری شده) در یک میانگین متحرک معامله کنیم، ممکن است حد ضرر را زیر حمایت قرار دهیم. (عکس آن نیز صادق است).

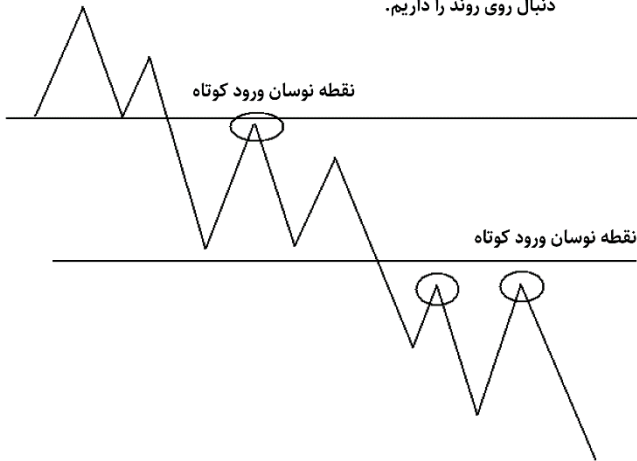
حمایت و مقاومت در بازارهای رونددار، بهتر کار می‌کنند، و می‌توانند در هر دوی بلند و کوتاه مدت فعالیت کنند...

اغلب «شکست کاذب» حمایت و مقاومت وجود دارد که می‌توانیم از آن برای معامله‌گری استفاده کنیم. (در این مورد بعداً بیشتر توضیح داده خواهد شد).

رفتار قیمت معمولاً ما را به اغلب معاملات می‌رساند، بنابراین بیش از حد، نگران تبدیل شدن به متخصص در شناسایی نقاط نوسان و حمایت و مقاومت نباشید. شما تنها باید از سطوح و الگوهایی که در نزدیکی آنها شکل می‌گیرند، آگاه باشید. یاد بگیرید که آنها را همیشه در چارت خود رسم کنید.

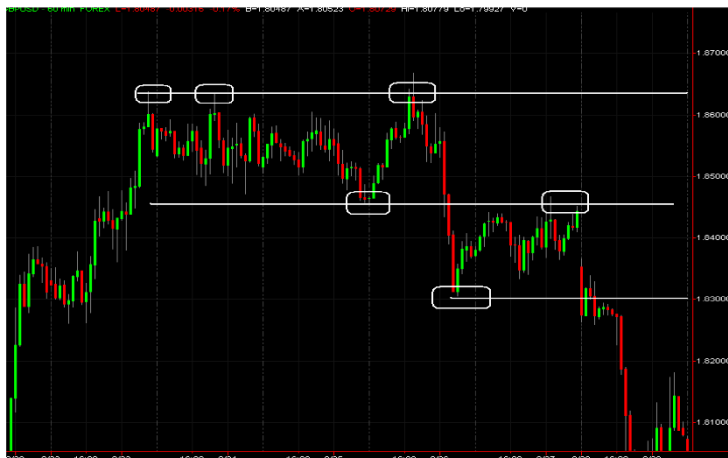
با یک نگاه ساده در چارت، به آسانی متوجه می‌شوید که سطوح افقی در بازار همه چیز را هدایت می‌کنند.

استفاده از نقاط نوسان افقی ساده ترین روش معامله گری است.
اگر آن را با رفتار قیمت ادغام کنیم، تقریباً جام مقدس روشهای
دنبال روی روند را داریم.



شکل: ۲۸

خط افقی



شکل: ۲۹
حمایت و مقاومت



شکل: ۳۰
سطوح افقی و شکستهای کاذب



شکل: ۳۱

سطوح کلیدی بلند مدت خود را رسم کنید - از انجام این کار نترسید



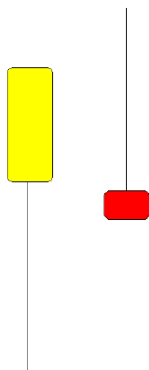
شکل: ۳۲

شکست کاذب در نزدیکی حمایت و مقاومت متداول است، آنها به سمت معکوس شدن پیش می‌روند

الگوهای رفتار قیمت و جمع بندی

- پین بارها
- اینساید بارها
- ستاپهای نامعتبر
- شکستهای نامعتبر
- ورودی های معاملاتی
- ورودی های اصلاح شده و موارد دیگر

پین بار بازگشتی چیست؟



ورود پین بار - پین بار یک سازه تک میله‌ای است. پین بار یک میله‌ی قیمتی است که قیمت‌های بالاتر یا پایین‌تر را طرد کرده است. قیمت در یک جهت باز خواهد شد و حرکت خواهد کرد و سپس در طول جلسه «معکوس» می‌شود تا در قیمت باز شدن یا مقداری بعد از قیمت باز شدن، بسته شود.

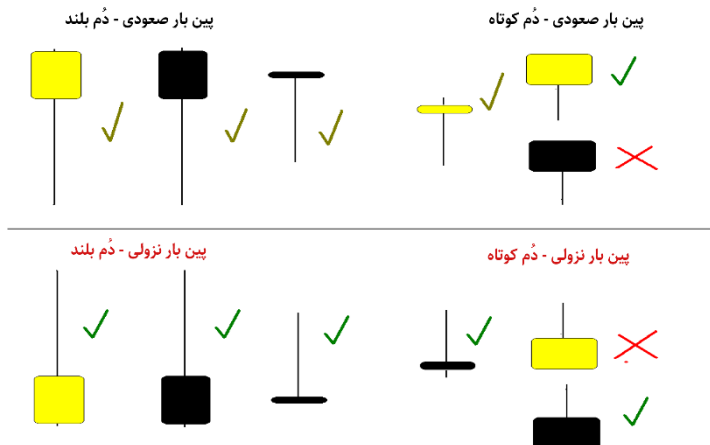
شناسایی کندل به این دلیل آسان است که یک «دُم» یا سایه دارد. تمام کندل‌هایی که دم دارند، پین بار نیستند. فقط یک کندل که دم آن اغلب بسیار بزرگ‌تر از بدنه باشد، می‌تواند یک پین بار نامیده شود. معمولاً، بازار در قیمت باز شدن، یا مقداری بعد از آن، بسته می‌شود.

این یک سیگنال بازگشتی عادی است که معمولاً در نزدیکی یک ناحیه‌ی مقاومت یا حمایت (سطح افقی یا میانگین متحرک پویا) تشکیل می‌شود. برخی از معامله‌گران از آن‌ها همراه با اصلاحات فیبوناچی و روندها یا پیوت/نوسان ساده استفاده می‌کنند.

به طور خلاصه، پین بارها استراتژی نهایی برای سودمندی از نوسانات عمده‌ی قیمت‌ها هستند. بنابر تجربه‌ی من، بازار فارکس، بیشتر به این سیگنال ورودی واکنش نشان می‌دهد، به دلیل تعداد بالای معاملات در فارکس، این الگو، به صورت خودکار، پر می‌شود.

اغلب، بهترین پین بارها پس از چند روز حرکت در جهت مخالف حرکت اخیر قیمتها رخ می دهند.

من در ابتدای شغل خود متوجه شدم که پین بارهایی که در جهت روند شکل می گیرند، اما بعد از اصلاح، دیگر وجود ندارند، می توانند خطرناک باشند. در واقع این را می خواهم بگویم که از پین بارهای غیرواضح اجتناب کنید، و از آنهایی که درست در نزدیکی سقف ها و کف های حرکت فعلی تشکیل شده اند، اجتناب کنید. نمونه های درست را ببینید.



شکل: ۳۳

برگ مرجع پین بار



شکل: ۳۴

مکانهای صحیح برای پین بارها

انواع ورود با پین بار

سه روش برای ورود مستقیم به معامله پین بار وجود دارد:

همیشه لازم نیست، اما همیشه بهتر است ببینید که بینی^{۱۰} کندل به نوعی، به مقاومت (میانگین متحرک، نقاط پیوت یا فیبوناچی) برخورد کرده است یا در آن نفوذ می‌کند.

بسیاری از اوقات، بینی کندل تا چند دقیقه یا ثانیه قبل از بسته شدن کندل به سطح باز شدن نمی‌رسد.

۱۰ Nose : نوک کندل

روش ۱: پرخاشگرانه

گاهی اوقات، درست بعد از تشکیل بینی پین بار، کندل بعدی باز خواهد شد و فوراً به نفع شما حرکت خواهد کرد، اما گاهی اوقات نیز بدون شما به حرکت خود ادامه می‌دهد! با روش پرخاشگرانه، اطمینان حاصل می‌شود که این اتفاق نمی‌افتد، اما با کمی ریسک بیشتر همراه خواهد بود. برای اطمینان از اینکه از این ستاپ جا نمانید، ممکن است از یک ورودی در بازار استفاده کنید. در این روش معامله‌ی شما - زمانی که پین بار تصمیم می‌گیرد که مانند یک سنگ، بدون اصلاح، به پایین سقوط کند، پر می‌شود و با خوشحالی به شما سود می‌دهد. حدضرر خود را درست در بالای دُم قرار دهید. برای یک معامله‌ی پرخاشگرانه‌تر، حدضرر خود را بالاتر یا کمتر از ۶۰٪ محدوده‌ی پین بار قرار دهید. من متوجه شده‌ام که یک پین بار ۱ ساعته‌ی بزرگ و حتی کوچک، مانند ۲۴۰ دقیقه‌ای، به سرعت حرکت می‌کند و مستقیماً از محل ورود، دور می‌شود. من هرگز قادر نخواهم بود به طور دقیق به شما یاد دهم که در کجا وارد معامله شوید، اما اگر این روند قدرتمند باشد، ورودی‌های بازار می‌تواند انتخاب خوبی بر روی چارچوب‌های زمانی داخلی باشد.

روش ۲: پرخاشگرانه

بعضی وقت‌ها، درست بعد از بسته شدن پین بار، کندل بعدی باز خواهد شد و فوراً به نفع شما حرکت خواهد کرد، اما گاهی نیز بدون شما به حرکت خود ادامه می‌دهد! این روش پرخاشگرانه، از حرکت بازار به عنوان تایید استفاده می‌کند، اما با مقدار کمی ریسک بیشتر همراه خواهد بود. برای اطمینان از اینکه معامله، بدون شما محل را ترک نخواهد کرد، به طور خاص، بر حسب چارچوب‌های زمانی

روزانه، از یک «سفارش توقف»^{۱۱} برای ورود استفاده کنید. بنابراین اگر بخواهم بفروشم، در زیر سیگنال «پین بار»، سفارش ورود توقف وارد می‌کنم، و یا بر عکس آن‌را برای خرید انجام می‌دهم. این روش دوم نیز برای سیگنال‌های درون روز، و برای پین‌بارهای احتمالی روزانه که دامنه وسیعی ندارند، مناسب است.

روش ۳: محافظه‌کار

بسیاری از وقتها، در چارت روزانه، به خصوص اگر پین‌بار در محدوده‌ی وسیعی باشد، می‌بینم که بازار کمی قبل از معکوس شدن و سقوط یا صعود، ممکن است ۱۲ ساعت یا حتی ۱ تا ۲ هفته زمان ببرد تا اصلاح شود، اما اغلب، قبل از ایجاد سیگنال در جهت مورد نظر ما، یک اصلاح وجود خواهد داشت... من درباره‌ی ورود اصلاحی برای پین‌بار روزانه یا پین‌بارهای بزرگتر از ۲۴۰ دقیقه‌ای در بسیاری از ویدیوهای خود توضیح خواهم داد. روش محافظه‌کارانه‌تر برای ورود به تنظیمات پین‌بار اینگونه است که، به طور کلی صبر می‌کنیم تا بازار مقداری اصلاح گردد. دامنه‌ی پین‌بار سیگنال را اندازه‌گیری کرده و محدوده‌ی ۳۸٪ تا ۵۵٪ را پیدا می‌کنیم، و به دنبال ورودی در آن حوالی می‌گردیم. برخی از راه‌های دیگر برای ورود به یک اصلاح، جستجوی یک سطح منطقی / مقاومت و حمایت آن نزدیکی، می‌باشد. اصلاح برای ورود، حد ضرر کوچک‌تر و کاهش ریسک کلی سیستم را برای شما به ارمغان خواهد آورد، اما افزایش نسبت ریسک به پاداش را به همراه دارد.. نقطه ضعف روش محافظه‌کارانه این است که شما گاهی اوقات، انجام معامله را از دست خواهید داد.

^{۱۱} Stop order: سفارش‌های توقف: سفارش‌هایی هستند که شما حدس می‌زنید قیمت پس از رسیدن به نقطه مورد نظر شما به حرکت خود ادامه می‌دهد. سپس دستور خرید یا فروش خود را در آن نقطه به کارگزار اعلام می‌کنید.

پین بار - نکات بسیار مهم

- از پین‌باره‌های روزانه در بازار و یا از دستور سفارش توقف، برای ورود استفاده کنید.
- پین‌باره‌های روزانه معمولاً در صورتی که دامنه‌ی بزرگی داشته باشند، وارد اصلاح می‌شوند. اگر محدوده‌ی پین‌بار کوچک باشد، وارد معامله شوید.
- اغلب از سیگنال‌های پین‌بار روزانه و درون روز با هم استفاده کنید.

ورودی و حد ضرر

استراتژی‌های پین‌بار درون‌روز که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفتند، یا در ورودی‌های بازار، یا در مکانهای مورد انتظار حرکت قیمت: در زیر و یا بالای بینی، بسته به جهت معامله‌گری شما خواهند بود. تا زمانی که پین‌بار محدوده‌ی وسیعی نداشته باشد، زمانی که یک روند قدرتمند در راه است، من صبر نمی‌کنم، سراسیمه به داخل می‌پریم ... (بعداً بیشتر توضیح خواهم داد)

در چارتهای روزانه، ورودی به اندازه‌ی آخرین پین بار بستگی دارد، اگر یک پین‌بار با محدوده‌ی بزرگ است، ممکن است، همانطور که قبلاً توضیح دادم، منتظر روز بعد، برای انجام اصلاح، بمانید. من واقعاً درباره‌ی اینکه کدام روش بهتر است، ۵۰٪ / ۵۰٪ هستم، اما برای معامله‌گران تازه‌کار، پیشنهاد می‌کنم روش ۳۸٪ - ۵۵٪ اصلاح را یاد بگیرند، و سعی کنند که روندها یا حمایت و مقاومت آشکار را معامله کنند. به مرور زمان، پیشرفت خواهند کرد. قوانین سختگیرانه‌ای برای پین‌بارها و رفتار قیمت وجود ندارد. کلید موفقیت این است که خود سیگنالهای قیمت را تشخیص

دهید، و تمام آنها را به طریق متفاوتی معامله کنید، و نهایتاً تصمیم بگیرید که کدام روش در طول زمان بهتر عمل کرده است.

ساخت یک سیستم معاملاتی ثابت و تنظیم شده برای پین‌بارها، غیرممکن است. اول از همه، بهترینها را با تجربه به دست آورید و سپس از اشتباهات و همچنین بخت خود یاد بگیرید.

حدضرر در اینجا مهم است، اغلب اوقات، باید پایین‌تر از پایین یا بالای پین‌بار سیگنال باشد. اگر معامله‌گر درون روز هستید و شما یک سیگنال تایید دریافت کرده‌اید، ممکن است بتوانید حد ضرر خود را کمتر کنید. برخی، حد ضرر خود را بالاتر از بالا یا پایین پین‌بار قرار می‌دهند، برخی از سطح ۶۰ درصد پین‌بار و برخی از سطح ۷۵ درصد استفاده می‌کنند. همان‌طور که همواره می‌گوییم، حد ضرر به اندازه‌ی کندل، و به طور واقع بینانه به پتانسیل پاداش به ریسک شما بستگی دارد. اگر کندل یک پین‌بار بزرگ باشد، و حد ضرر شما ۱۰۰ پیپ میشود، این یک حدضرر بزرگ خواهد بود، بنابراین می‌توانید با استفاده از انواع روش‌های گفته شده، حدضرر خود را کوچکتر کنید. **به یاد داشته باشید، استفاده از یک اصلاح قیمت، قبل از ورود به پین‌بار به طور طبیعی موجب کوچک شدن حدضرر می‌شود.** تشکیل یک کندل درونی در هر جایی بعد از آرایش پین‌بار، کمک فراوانی به مدیریت ریسک خواهد کرد، چرا که شما می‌توانید سطح بالا و پایین پین‌بار را به عنوان حدضرر استفاده کنید. این کار پیشرفته‌تر است، اما چیزی است که شما در حال حاضر و سپس در چارچوب‌های زمانی بالاتر مانند ۲۴۰ دقیقه و روزانه خواهید دید.

همانطور که زمان سپری می‌شود، یاد خواهید گرفت که پین‌بارها شروع به حرکت می‌کنند و شما می‌توانید معاملات روزانه را براساس خود سیگنال روزانه مدیریت کنید.

حمایت و مقاومت واضح، خطوط روند و یا میانگین متحرک نمایی، همه سطوح خوبی برای خروج از معاملات پین‌بار هستند.

زمانی که وارد می‌شوید، به دنبال یک حد سود با حداقل ۲ برابر ریسک خود، و بیشتر، باشید. پین‌بارها می‌توانند به حرکات اصلی منجر شوند، بنابراین اگر سیگنال قدرتمندی باشد و رفتار قیمت با آن موافقت کند، از نگهداری بیشتر یک معامله نهراسید. در این هنگام، من به دنبال یک سطح کلیدی جدید می‌گردم تا سود خود را از بازار خارج کنم. من به تازگی در یک پین‌بار روزانه ۶ برابر ریسک، سود کرده‌ام، بنابراین دوستان، این کار را می‌توانید به انجام برسانید!

اگر معامله‌ی شما بر خلاف یک روند باشد، بهتر است مطمئن شوید که پین‌بار واضح و بزرگ است و سعی کنید تا آن را با تعدادی از سطوح منطقی در بازار تطبیق دهید. تلاقی در این زمینه به شما کمک خواهد کرد! اگر در این مورد تردید دارید، تردید را از خود دور کنید!

صبور باشید و منتظر پین‌بار کامل بمانید. یک مثال از یک پین‌بار کامل در ادامه آورده شده است.



شکل: ۳۵

طوفان کامل - یک پین بار در سطح مقاومت اصلی



شکل: ۳۶

پین بارها بهترین سیگنالهایی هستند که من در بیش از ۵ سال معامله گری از آنها استفاده کرده ام و خواهم کرد



شکل: ۳۷

بین بار معکوس با روند



شکل: ۳۸

پین بار از نوسان اصلاحی



شکل: ۳۹

بین بار هفتگی نقاط عطف را نشان می دهند



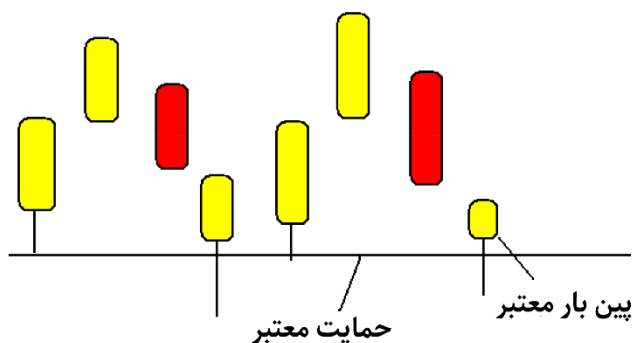
شکل: ۴۰

پین بار معکوس با روند



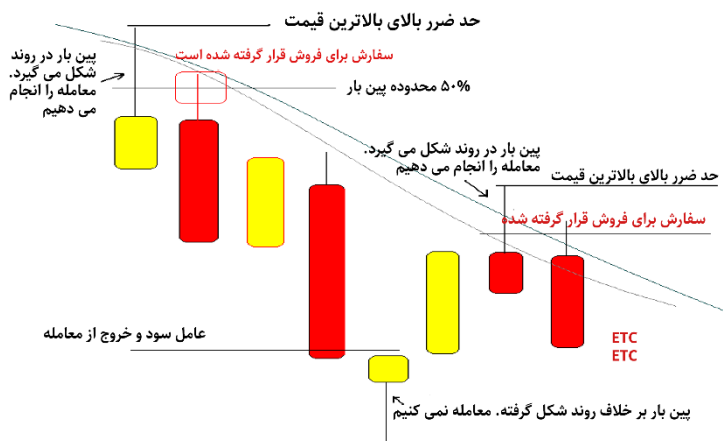
شکل: ۴۱

پین بار معکوس با روند



شکل: ۴۲

پین بار در سطوح افقی



شکل: ۴۳

مثال ورود پین بار با حد ضرر و حد سود در روند

کندل درونی و الگوهای هیپاکاکی^{۱۲}

- کندل های درونی
- کندل های تقلبی
- شکست کاذب

کندل درونی^{۱۳} چیست؟

کندل درونی یک میله یا مجموعه‌ای از میله‌ها است که کاملاً در محدوده‌ی میله‌ی قبلی قرار دارد، یا، به عنوان مثال، کف بالاتر و سقف پایین‌تر از میله‌ی قبل از خود را دارد (برخی از معامله‌گران با برابر دانستن تنها میله‌های قیمتی یک تعریف ملایم‌تری از کندلهای درونی ارائه می‌کنند). در صورت مشاهده یک کندل درونی با رفتن به یک تایم پایین‌تر می‌توان آن را به شکل مثلث مشاهده کرد.

یک کندل درونی نشان دهنده‌ی تردید و یا تثبیت است. کندل درونی اغلب در سقف‌ها و کف‌ها، در ادامه‌ی پرچم‌ها، و در نقاط تصمیم‌گیری کلیدی مانند سطوح حمایت/مقاومت اصلی پدیدار می‌شوند.

آن‌ها اغلب یک مکان کم ریسک را برای ورود به یک معامله، یا نقطه‌ی خروج منطقی فراهم می‌کنند.

مناسب‌ترین زمان برای استفاده از یک کندل درونی، هنگامی است که یک روند قدرتمند در حال پیشرفت است. اگر بر روی شکست آن مانور دهیم، حدضرر را می‌توان در زیر نقطه‌ی میانه‌ی کندل بیرونی یا مادر، قرار داد.

کندل‌های درونی در هنگام معامله‌ی یک روند در چارت ۲۴۰ دقیقه‌ای بسیار خوب هستند و می‌توانند برای شناسایی نقاط عطف بازار در هنگام معامله‌ی این روند، بسیار مناسب باشند.

^{۱۳} Inside bar



شکل: ۴۴

کندل‌های درونی اغلب حرکت بازار را از بین می‌برند، به همین دلیل، آنها هم همراه روند و هم علیه آنها، الگوهای برگشتی خوبی هستند.



شکل: ۴۵

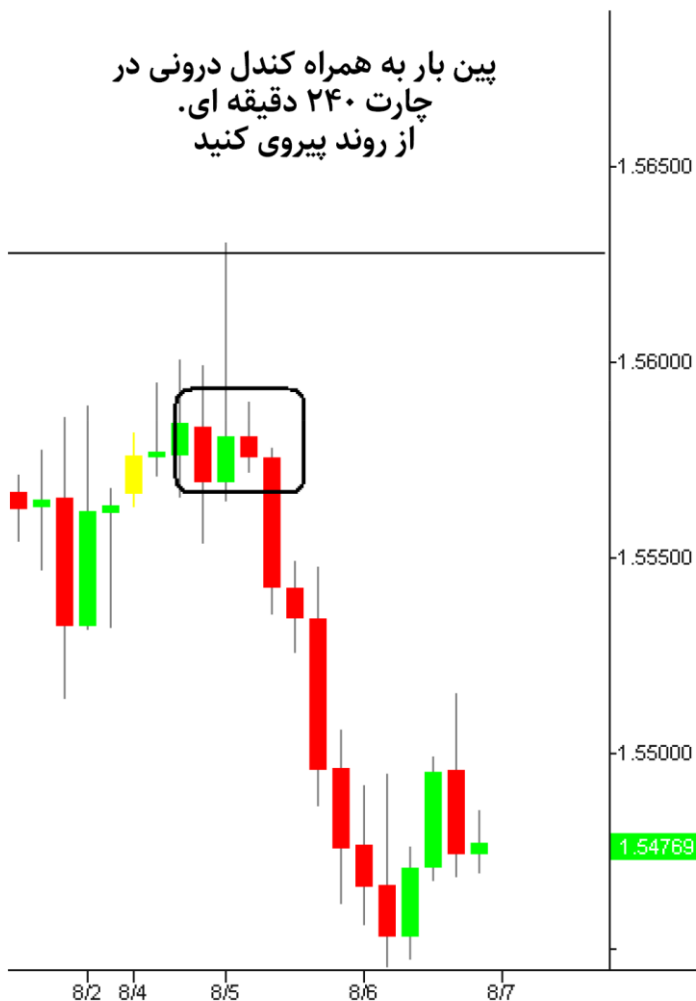
کندل درونی در چارت روزانه

مشاهده ی کندل های دورنی

هنگامیکه برای اولین بار در معامله گری شروع به کار کردم، تنها از کندل های دورنی درون روز استفاده می کردم.

من به این نکته پی بردم که کندلهای دورنی که پس از پین بار شکل می گیرند، واقعا عالی هستند! (به شکل پایین نگاه کنید)

پین بار به همراه کندل درونی در
چارت ۲۴۰ دقیقه ای.
از روند پیروی کنید



شکل: ۴۶

با گذشت زمان، خیلی زود متوجه شدم که استفاده از آن‌ها در سطوح کلیدی نیز می‌تواند بسیار سودآور باشد. با این حال، من هنوز به این نکته توجه دارم که اغلب اوقات، جهت کلی وسیع‌تر، ستاپهای معاملاتی با احتمال موفقیت بسیار بالایی در کندلهای درونی، یا کندل درونی چندگانه، ایجاد خواهد کرد.

من متوجه شدم که:

✓ اغلب بعد از یک کندل درونی، یک دوره‌ی کوتاه‌مدت خلاف روند بوجود می‌آید، اما ما منتظر ورود به بازار بعد از شکست قیمت و قرارگیری در جهت روند هستیم.

✓ کندل‌های درونی نزدیک سطوح کلیدی، به عنوان نشانه‌های معکوس در جهت مخالف روند عمل می‌کنند. هر چند که این اتفاق نادر بود.



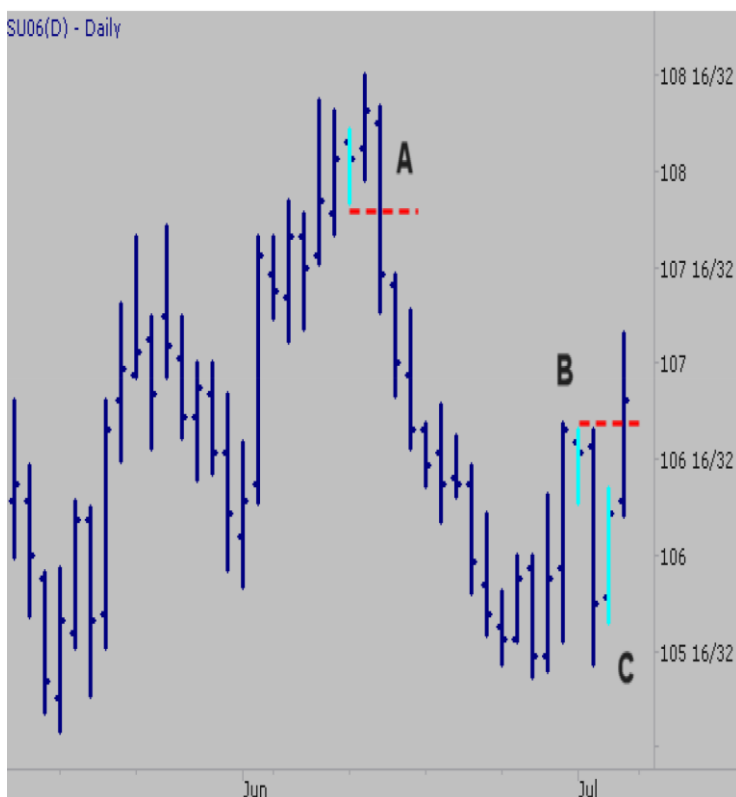
شکل: ۴۷

دسته کوچک (پین بار با کندل درونی)

الگوی تقلبی یا *Hikkake*

"با نظارت بر تغییرات در الگوهای کوتاه مدت و اندیکاتورها، ممکن است بتوانیم در مراحل اولیه تغییر روند، با آن همراه شویم."

Brett N. Steenbarger Ph.D



شکل: ۴۸

"به عنوان یک داستان نویس که تلاش می کند تا مخاطبان خود را تحت تاثیر قرار دهد، ائتلاف ها و متقلب ها تلاش می کنند تا مردم را گیج کنند و تحت تاثیر قرار دهند تا فکر کنند که یک سهام در جهت معینی حرکت می کند. درحالی که هدف نهایی این است که آن را به جهت دیگری حرکت دهند."

Richard D. Wyckoff

Hikkake تقلبی، الگوی شکست کاذب

این الگو جایی تشکیل می شود که ما یک شکست کاذب از یک سطح کلیدی، یا شکست کاذب یک کندل درونی را داریم.

به جای این که بازار با شکست اولیه ی الگوی کندل درونی حرکت کند، «حرکت کاذب» انجام می دهد و در عرض چند روز آتی معکوس می گردد.

این شروع یک حرکت قدرتمند است که می تواند ۱ یا چند روز به طول انجامد.

حرکت های کاذب، روندها را در جهت مخالف ایجاد می کنند، زمانی که قیمت نمی تواند وارد یک معامله در عرض ۳ دوره از ستاپ های کندل درونی شود، آن ستاپ ها «تایید نشده» هستند.

آنها (حرکتهای کاذب) به بهترین شکل، بر اساس قیمت بسته شدن، کار می کنند، یعنی، به سختی می توانند معامله شوند مگر اینکه نسخه ی درون روز از این سیگنال مورد استفاده قرار گیرد.



شکل: ۴۹

کندلهای تقلبی در عمل



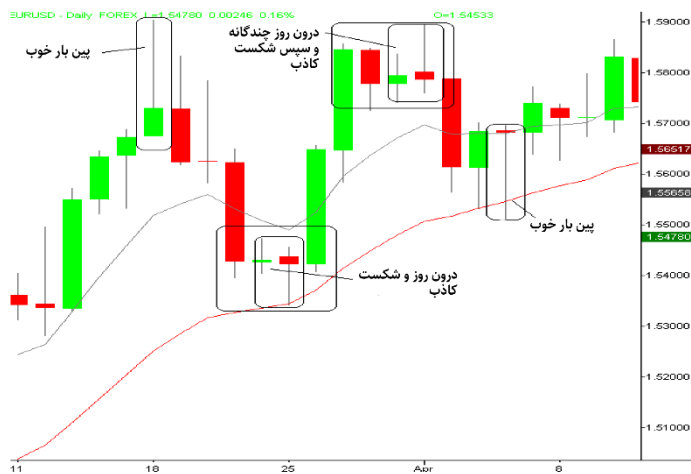
شکل: ۵۰

کندلهای تقلبی در عمل



شکل: ۵۱

بهترین الگوی تقلبی موجود



شکل: ۵۲

پین بارها و تقلبی ها با هم ترکیب شده اند، توجه کنید که چه تعداد شکست کاذب منجر به تشکیل پین بار می شود

حوزه های رویداد و کندل های درونی

نسخه‌ی من از یک حوزه‌ی رویداد کندل درونی، به طور کلی منطقه‌ای از قیمت است که یک رویداد بزرگ را آغاز کرده و یا آن را خاتمه می‌دهد.

من زیاد وارد دینامیک‌های این مفهوم نخواهم شد. به بیان ساده‌تر، بازارها اغلب در مناطقی که رویدادهای اخیر قیمت رخ داده است، حمایت یا مقاومت پیدا می‌کنند، و به نقاط مرجع تبدیل می‌شوند ...

با توجه به فرصت کم، این موضوع فقط یکبار و همین جا مطرح خواهد شد اما شما می‌توانید مطالعه‌ی خود را در این زمینه ادامه دهید. چگونه می‌توانید یک حوزه‌ی رویداد قیمت را تشخیص دهید که به عنوان حمایت و یا مقاومت عمل می‌کند. مثال شکل پایین (شکل ۵۳) را مشاهده کنید.



شکل: ۵۳

ورود ۶۰ و ۲۴۰ دقیقه

استفاده از رفتار قیمت برای ورود به روند

3BPUSD - 60 min FOREX L=1.96919 -0.00594 -0.30%

O=1.97416



شکل: ۵۴

معامله ی بازگشت پین بار در چارت ۱ ساعته روند کامل

معامله دو کندل معکوس در روند

استفاده از این الگو برای من زمانی است که:

- از یک برگشت ۲ کندلی تشکیل شده باشد.
- زمانی که به وضوح از یک روند معکوس نشأت بگیرد.
- فقط در زمان معامله ی یک روند باشد.

این الگو کمیاب است، اما بسیار شبیه به یک پین بار، یک حرکت سریع روبه بالا و کندل سریع نزولی است.

به طور موثر، آنها نتایج مشابهی را به عنوان پین بار تولید می کنند، اما اجازه دهید که این موضوع را برایتان روشن سازم ... آنها زمانی که کندل دوم، بالاترین یا پایین ترین قیمت کندل اول را می شکند (بسته به جهتی که شما معامله می کنید) بهترین هستند، من اغلب برای شکست کامل آنها، صبر می کنم.



شکل: ۵۵

به مثالها توجه کنید:...



شکل: ۵۶

پین بارهای ۲۴۰ دقیقه ای با روندها و حمایت و مقاومت



شکل: ۵۷

کندل درونی ۲۴۰ دقیقه، تنها با روند مناسب است



شکل: ۵۸

کندل درونی ۲۴۰ دقیقه، تنها با روند مناسب است



شکل: ۵۹

معامله پین بارهای روند و کندلهای درونی



شکل: ۶۰

شکست کاذب با روند در چارت ۱ ساعته



شکل: ۶۱

شکست کاذب درون روز تنها در جهت روند



شکل: ۶۲

این تصویر را از روز اول بیاد دارید؟ حالا با عقل جور درمیاد؟

جمع بندی برنامه معاملاتی (چگونگی اعمال ستاپهای معاملاتی)

چگونه ستاپهای معاملاتی را معامله کنیم؟

برنامه معاملاتی

برنامه معاملاتی که ما دنبال می‌کنیم قبل از ورود به یک نوع چک لیست تبدیل می‌شود.

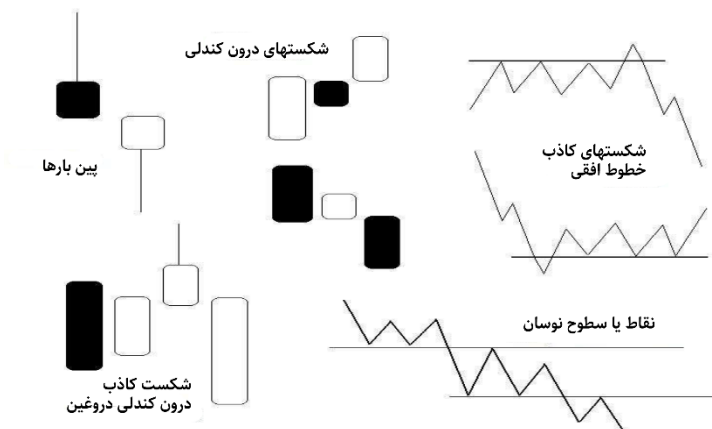
یک برنامه، کمکی است به معامله‌گر تا نظم معاملاتی خود را حفظ کرده و یک چک لیست یا مرجع برای هر ستاپ معاملاتی و سناریو در اختیار داشته باشد. برنامه معاملاتی را نمی‌توان شکست داد، آن قانونی است که شما وضع کردید، پس آن را دنبال کنید!

همیشه به خاطر داشته باشید، ما هرگز هر سیگنالی و یا هر جفت ارزی را معامله نمی‌کنیم. ما بعنوان انسان همواره در حال انتخاب کردن هستیم و لذا باید درک خوبی از رفتار قیمت داشته باشیم، این ترکیب با قوانین برنامه معاملاتی به موفقیت ما کمک خواهد کرد.

برنامه معاملاتی فارکس

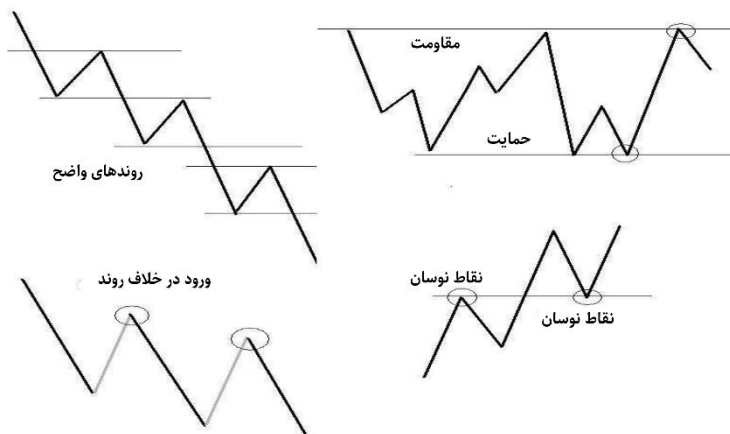
- قوانین مربوط به معامله درون کندلی.
- قوانین مربوط برای معامله پین‌بار.
- قوانین مربوط به معامله سیگنالهای کاذب.
- قوانین مربوط به پین‌بار / درون‌بار ترکیبی.
- قوانین مربوط به معامله شکست کاذب.
- قوانین مربوط به معامله حمایت و مقاومت.
- قوانین مربوط به معامله نقاط نوسان در روندها.
- قوانین مربوط به استفاده از خلاف روند برای ورود به روند فعلی.

- پاداش به ریسک، حد ضرر و حد سود.
- اندازه‌بندی پوزیشن.
- موقعیت خود را تغییر دهید.



شکل: ۶۳

چک لیست رفتار قیمت



شکل: ۶۴

چک لیست رفتار قیمت

قوانین پین بار

ما یک پین بار را با اشکال گوناگونی که پیش می آید، می توانیم معامله کنیم.

۱. با روند (با شیب چارت عمومی).
۲. از یک نقطه حمایت یا مقاومت واضح که قبلا در تاریخچه قیمت اخیر تایید شده است.
۳. در یک نقطه واکنش روند در طول دوره نوسان، یا بازگشت قیمت.

قوانین دروغین

اگر یک الگوی دروغین (فیک) به صورت موارد ذیل شکل گرفته باشد آن را معامله خواهیم کرد:

۱. با روند غالب آشکار، شیب میانگین متحرک نمایی ۸ و یا ۲۱ روز.
۲. نزدیک کف یا سقف حرکت روند فعلی. (باید همیشه با شیب روند در یک راستا باشد)، این عمل به روند ادامه دار معروف است.
۳. در یک نقطه واکنش خلاف روند، یا در نقطه نوسان، و یا در سطح کلیدی حمایت و مقاومت در روند موجود.
۴. اگر خلاف روند باشد، باید با چیزی قوی مثل یک پین بار یا یک سطح بزرگ حمایت و مقاومت مشخص ترکیب شود.

بر روی برنامه خودتان کار کنید

یک برنامه معاملاتی به هیچ وجه مکانیکی نیست. این برای هر معامله گری منحصر به فرد است. این "راهنمای شما" است.

به سادگی مجموعه ای از فیلترها و تکنیک های غربالگری را بسازید، که منطقی و ساده هستند. این راهنما برای شما است تا از آن پیروی کنید تا مطمئن شوید که دچار مشکل نشوید و از تصمیم گیری احساسی و خود به خودی اجتناب می کنید. این یک سیستم یا استراتژی نیست، همانطور که می گویم "راهنمای شما" برای ماندن در بازی و اجتناب از اشتباه احمقانه است.

هر روز شما می توانید دفتر خاطرات شخصی خودتان را مورد بررسی قرار دهید و باید آن را به صورت محرمانه، نزد خودتان نگه دارید.

می‌توانم به شما بگویم که اگر روزانه این دفترچه را در مورد چند جفت ارز بنویسید، به زودی در چارت خواندن به شدت با استعداد می‌شوید، تنها مسئله گذر زمان است.

مدیریت سرمایه و معاملات

مدیریت مالی، کنترل ریسک و برنامه معاملاتی



ریسک و بازگشت - درباره ی پیپ یا درصد نیست

ریسک و بازگشت به عنوان ریسک دلاری یا درآمد دلاری مورد انتظار است، بنابراین ریسک و بازگشت به عنوان درصد یا پیپ بیان نمی‌شود.

چون به دست آوردن یا از دست دادن پیپ فقط نیمی از داستان را بازگو می‌کند. چه مقدار لات در معامله شما به طور چشمگیری به سود و زیان درآمد دلاریتان اثر می‌گذارد، در نتیجه هیچ معامله‌گری نباید به پیپ‌ها به عنوان مقیاس بازگشت سرمایه خود بنگرد!!

به همین دلیل است که معامله‌کنندگان با یک حد ضرر بزرگ معامله می‌کنند، چراکه به پیپ‌ها فکر می‌کنند، نه ریسک به دلار، و این یک اشتباه بزرگ برای معامله‌گران تازه کار است.

مباحث این بخش، مربوط به موضوع مدیریت مالی است و به حقیقت اینکه چگونه یک معامله‌گر حرفه‌ای در مورد ریسک سرمایه و بازگشت و مدیریت معامله فکر می‌کند، می‌پردازیم.

چرا اندازه پوزیشن جایگاه مهم‌تر از مقدار پیپ‌های مورد ریسک ما دارد؟

تعیین اندازه پوزیشن ابزاری است که اغلب نادیده گرفته می‌شود و یا بسیاری از معامله‌گران به سادگی چیزی از آن نمی‌دانند. تعیین اندازه پوزیشن در معاملات فارکس بسیار مهم است و هر کس که به طور فعال بازار فارکس را معامله کند، باید به طور کامل درک کند که چرا مهم است و چگونه می‌تواند در رابطه با کمک به شما در مدیریت احساسات سهیم باشد. بسیار مهم‌تر است که ریسک خود را در مورد هر معامله‌ای، با نسبت ریسک دلاری به پیپ اندازه‌گیری کنید. بسیاری از معامله‌گران تازه کار و ماهر به اشتباه تصور می‌کنند که حد ضررهای گسترده‌تر

به آنها اجازه می‌دهد تا ریسکهای بزرگ دلاری را بپذیرند و حدضررهای کوچکتر به آنها اجازه خواهد داد تا زیانهای دلاری کوچکتری را متحمل شوند. این یک فرض غلط است و دلیل مهمی است که چرا شما باید نقشی را که تعیین اندازه پوزیشن می‌تواند در موفقیت معاملاتی فارکس شما ایفا کند، درک کنید.

بازار فارکس بیش‌ترین انعطاف‌پذیری را در تعیین اندازه پوزیشن ارائه می‌دهد. اگر شما یکی از معامله‌گران فارکس هستید که خود را متقاعد کرده‌اند که تعیین اندازه پوزیشن و مدیریت ریسک مهم نیست چون سیستم و یا روش معامله شما خیلی دقیق است، یا به این دلیل که احساس می‌کنید بردهای پیاپی اخیر شما هرگز به پایان نخواهد رسید، لطفاً این بخش را بیش از هر کس دیگر بخوانید. بازار فارکس انعطاف‌پذیری شدیدی را در تعیین اندازه پوزیشن ارائه می‌دهد؛ این یکی از بزرگترین مزیت‌هایی است که معامله‌گران فارکس نسبت به افرادی که سهام یا کالاهای تجاری را معامله می‌کنند، دارند. یک لات واحد پول فارکس در حدود ۱۰ دلار به ازای هر پیپ است و بستگی به این دارد که شما چه نوع معامله‌ای دارید. تقریباً تمام کارگزاران در حال حاضر مینی لات را به عنوان اندازه پوزیشن معمول پیشنهاد می‌دهند، کوچکترین مقدار برای مینی لات تقریباً ۱ دلار به ازای هر پیپ است، و یک بار دیگر این بستگی به جفت ارزی دارد که شما در آن معامله می‌کنید. در حال حاضر بسیاری از کارگزاران فارکس به شما اجازه می‌دهند که به اندازه میکرولات معامله کنید که عملاً به اندازه یک پنی در هر پیپ است، با این حال اکثر کارگزاران فقط به ۱۰ سنت برای هر پیپ در میکرولات راضی می‌شوند. این انعطاف‌پذیری فوق‌العاده در اندازه پوزیشن به مردم امکان می‌دهد تا یک حساب معاملاتی با ارزش ۲۵۰ دلار باز کنند و هنوز هم شانس جنگیدن و

پیروز ساختن آن را دارند. بازارهای آتی، کالا یا سهام، انعطاف‌پذیری تعیین اندازه پوزیشن که ارایه می‌دهند حتی نزدیک به پوزیشن‌های فارکس نیز نمی‌باشند.

یک درس سریع در مورد اندازه‌گیری پوزیشن

اندازه پوزیشن به طور کلی تعداد لات‌ی است که شما در هر معامله مبادله می‌کنید، فرقی نمی‌کند لات‌ها استاندارد، مینی، یا میکرو باشند. به عنوان مثال اگر شما ۲ مینی لات از GBPUSD به ارزش ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا معامله کنید و بسته به اینکه آیا نرخ مبادله بین پوند انگلیس و دلار آمریکا به نفع شما باشد و یا برنده/بازنده خواهید بود؛ مقداری برابر با ۲ دلار در هر پیپ حرکت خواهد داشت. بنابراین اگر شما ۱۰۰ پیپ به دست آورید، ۲۰۰ دلار سود خواهید برد. لذا ما می‌توانیم ریاضیات پشت این موضوع را درک کنیم، از یک زاویه متفاوت به آن نگاه خواهیم کرد؛ اگر GBPUSD از ۱/۵۶۰۰ به ۱/۵۵۰۰ حرکت کند که یک حرکت ۱۰۰ پیپ انجام داده است، که در واقع برابر با یک تفاوت قیمت ۱۰ سنتی در نرخ مبادله GBPUSD است. خوب، ما هم اکنون این کار را می‌کنیم. ۰/۱ ضربدر ۲۰ هزار برابر با ۲۰۰ دلار است.

یک لات استاندارد به شما اجازه می‌دهد تا حدود ۱۰۰۰۰۰ دلار را کنترل کنید و حدود ۱۰ دلار به ازای هر پیپ داشته باشید، ۱ مینی لات به شما اجازه می‌دهد حدود ۱۰۰۰۰ دلار را کنترل کنید و برابر با ۱ دلار در هر پیپ داشته باشید. و هر میکرولات اجازه کنترل ۱۰۰۰ دلار را می‌دهد و ۱۰ سنت به ازای هر پیپ خواهد بود. بنابراین، اگر یک حساب معاملاتی استاندارد باز کنید و معاملات مینی‌لات را انتخاب کنید، یک مینی‌لات برابر با ۰/۱ لات خواهد بود، ۵ مینی‌لات برابر با ۰/۵ لات استاندارد و ... خواهد بود. اگر یک حساب تجاری مینی لات باز کنید و بخواهید بر روی میکرولات معامله کنید، هر میکرولات برابر با ۰/۱ مینی لات و ۵

میکرولات برابر با ۵/۰ مینی لات و ... خواهد بود. بنابراین در نتیجه، اندازه واقعی پوزیشن شما بستگی به این دارد که شما یک حساب استاندارد، مینی و یا میکرو داشته باشید و اینکه چه تعداد لات معامله دارید، میکرولات‌ها به طور کلی یک تابع حساب مینی هستند و اکثر کارگزاران حساب‌های میکرولات را ارایه نمی‌کنند. دانستن این اطلاعات مهم است تا بتوانید درک خود از اندازه پوزیشن را بر پایه یک پایه اساسی محکم بسازید.

تعیین اندازه پوزیشن و نسبت ریسک به پاداش

جهت سودآوری در بازار فارکس، بسیار مهم است که اهمیت نسبت پاداش به ریسک و نحوه ارتباط آن با تعیین اندازه پوزیشن را درک کنید.

قبل از ورود به هر معامله‌ای، باید مقدار دقیق دلاری که شما می‌خواهید در آن ریسک کنید و پاداش دقیقی که فکر می‌کنید می‌توانید با آن معامله بدست آورید را بدانید. سود بردن در هیچ نقطه‌ای که کمتر از خطر باشد جایز نیست. اکنون توضیح خواهم داد که چرا این موضوع بسیار مهم است. زمانی که مقدار دلار مورد ریسک را تعیین کردید، شما می‌خواهید ریسک را ارزیابی کرده تا اندازه پوزیشن خود را طوری تنظیم کنید که این مقدار را برآورده سازد. اگر شما معامله میکرولات دارید و می‌خواهید ۵۰ دلار را در یک معامله با ۱۰۰ پیپ حد ضرر داشته باشید بنابراین اندازه پوزیشن شما ۵/۰ است. (به خاطر داشته باشید که ۵ میکرولات نصف ۱ مینی لات است).

$50\$ = 100 * 5/0$ پس شما باید یک اندازه پوزیشن ۵/۰ مینی لات داشته باشید (۵ میکرو لات)، ۵۰ دلار را با نسبت هر پیپ ۵۰ سنت به خطر می‌اندازید.

شناخت نسبت ریسک به پاداش بسیار مهم است. اگر در یک معامله ۱۰۰ دلار ریسک کنید و هدف تان ۲۰۰ دلار است، نسبت برد شما دو برابر ضررتان است،

این یک ریسک به پاداش ۱:۲ است. مهم است بدانید که با ریسک به پاداش ۱:۲ شما می‌توانید بیش از ۵۰٪ از معامله‌های خود را از دست بدهید و در عین حال پول خود را در طول زمان به دست آورید، در واقع شما می‌توانید ۶۵ درصد از معاملات خود را با ریسک ۱:۲ از دست بدهید و هنوز پول ساز باشید. اگر شما تنها ۳۵ درصد از آنها را با ریسک ۱:۲ ببرید، ۵۰ دلار سود خواهید برد، در صورتی که ۱۰۰ دلار در هر معامله ریسک کنید.

اینجا، جایی است که قدرت ریسک در برابر پاداش وارد بازی می‌شود. بسیاری از معامله‌گران به اشتباه معتقدند که آنها باید درصد بالایی از معاملات خود را ببرند تا در بازار پول کسب کنند. واقعیت این است که درصد برد تقریباً در این است که آیا شما در بلند مدت پولساز هستید یا خیر. آنچه مهم است این است که اگر از نسبت ریسک در برابر پاداش استفاده کنید، به عنوان مثال، اگر بازده ۳ برابر میزان ریسک باشد، نسبت ریسک به پاداش شما ۱:۳ است.

این به طور یعنی: شما می‌توانید ۷ تا از ۱۰ معامله را از دست بدهید و هنوز هم پول در بیاورید. در یک ریسک ۱۰۰ دلاری شما ۷۰۰ دلار در ۱۰ معامله از دست خواهید داد، اما شما ۹۰۰ دلار از معاملات خود را به دست خواهید آورد، زیرا ریسک شما در برابر پاداش ۱:۳ است، بنابراین ۲۰۰ دلار سود خواهید داشت، اگر چه ۷۰ درصد از معاملات را از دست داده‌اید. شما باید شروع کنید به این که چطور این کار را انجام دهید، چرا داشتن درصد بالای معاملات برنده مرتبط نیست، و چرا مهم است که یک ریسک ۱:۲ یا بالاتر از هر معاملاتی که می‌گیرید را حفظ کنید. واقعیت این است که برد بیش از ۵۰ درصد از معاملات شما در هر بازار بسیار دشوار است، اغلب معامله‌گران حرفه‌ای تنها حدود ۵۰ درصد از معاملات را در طول مدت طولانی برنده می‌شوند، اما آنها قدرت نسبت ریسک به

پاداش را درک می‌کنند، بنابراین آنها هنوز قادر به دریافت پول بسیار خوبی هستند.

ریسک به دلار و نه به پیپ اندازه‌گیری می‌شود.

تعیین اندازه پوزیشن این امکان را به شما می‌دهد که تعداد زیادی از حجم معاملاتی خود را تنظیم کرده تا میزان پولی که می‌خواهید برای هر معامله ریسک شود را برآورده کنید. این به شما این امکان را می‌دهد که از حد ضررهای بزرگتر استفاده کرده اما همچنان ریسک دلاری مورد نظر خود را حفظ کنید. بسیاری از معامله‌گران فارکس به اشتباه باور دارند که حدضررهای بزرگتر به معنای یک ریسک بزرگتر خواهد بود. اگر مقدار ریسک مورد نظر ۱۰۰ دلار است اما شما می‌خواهید حد ضرر خود را در سطحی که ۲۰۰ پیپ از ورودی شما فاصله دارد قرار دهید، به سادگی اندازه پوزیشن خود را برای برآورده کردن سودتان به مقدار دلار تنظیم کنید. به عنوان مثال، فرض کنیم که شما ۱ مینی لات معاملاتی *GBPUSD* دارید، یک ریسک ۱۰۰ دلاری با یک حد ضرر ۲۰۰ پیپ به اندازه پوزیشن ۰/۵ (یا ۵ میکرولات) دارید، شما نصف یک مینی لات را معامله می‌کنید که ۰/۵۰ سنت به ازای هر پیپ خواهد بود. $۱۰۰ = ۲۰۰ * ۵۰$ دلار می‌شود. بنابراین، افزایش فاصله حد ضررهای شما، به این معنا نیست که شما باید ریسک خود را افزایش دهید. بسیاری از مردم حد ضررهای خود را تنظیم می‌کنند اما اندازه پوزیشن خود را تنظیم نمی‌کنند؛ این یک اشتباه بزرگ است و دلیل اصلی نابودی حسابهای معاملاتی است. اگر شما شروع به ریسک ۱۰۰ دلار با حد ضرر ۱۰۰ پیپ در معامله کنید، اما بعد تصمیم بگیرید ۱۰۰ پیپ دیگر آن را جابه‌جا کنید و ریسک خود را به ۲۰۰ پیپ (۱ دلار برای هر پیپ $۲۰۰ * ۲۰۰ = ۴۰۰$ دلار) افزایش دهید، مقصر اصلی نابودی معامله خود شما خواهید بود و چیزی است که توان پایبندی

به آن را ندارید. شما باید قبل از ورود به معامله ریسک خود را به دلار تعریف کنید و سپس اندازه پوزیشن خود را بر طبق آن تنظیم کنید تا نقطه حد ضرر مورد نظر را برآورده کنید تا میزان ریسک دلاری مورد نظر را حفظ کنید.

به همین ترتیب بسیاری از معامله‌گران فکر می‌کنند که حد ضررهای کوچک به معنای کاهش ریسک دلاری است. با این حال، همیشه این مسئله اصلی نیست، اما اندازه پوزیشن این مساله را توضیح می‌دهد. اگر یک معامله‌گر یک حد ضرر ۵۰ پیپ دارد اما ۵ دلار به ازای هر پیپ (۵ مینی لات) معامله می‌کند، ریسک او در معامله ۲۵۰ دلار است. اگر شخص دیگری حد ضرر ۱۰۰ پیپ داشته باشد اما ۲ دلار به ازای هر پیپ (۲ مینی لات) معامله کند، پس ریسک او ۲۰۰ دلار در معامله است. همانطور که مشاهده می‌کنیم یک حد ضرر کوچکتر لزوماً به معنای خطر کوچکتری نیست، تعیین اندازه پوزیشن، ریسک دلاری شما را بر روی معامله تعیین می‌کند، نه پیپ. بنابراین، از این مثال‌ها، درس اصلی این است که ریسک باید همیشه در مقدار دلار محاسبه شود، نه پیپ، زیرا اندازه پوزیشن شما میزان ریسک شما به دلار را تعیین می‌کند، نه اندازه پیپ‌های مورد ریسک شما.

برنامه مدیریت ریسک خود را حول تعیین اندازه پوزیشن و نسبت‌های ریسک به پاداش ایجاد کنید.

معامله‌گران اغلب می‌شنوند که باید یک برنامه مدیریت ریسک داشته باشند، اما اغلب اوقات ایده آن به نوعی انتزاعی به نظر می‌رسد، بنابراین آنها به طور آگاهانه یا ناخودآگاه فکر می‌کنند که در معامله بسیار خوب هستند و به یک برنامه مدیریت ریسک مشخص نیاز ندارند. نکته اصلی در اینجا این است که اگر به واقع می‌خواهید شانس مبارزه و کسب پول در بازار فارکس را داشته باشید، به

طور قطع باید یک فکر خوب و مدیریت ریسک واضح تعریف کنید. هیچ راهی برای این واقعیت وجود ندارد، شما می‌توانید برای مدتی شانس بیاورید و بدون مدیریت ریسک، پول کسب کنید، اما هر معامله‌گر با تجربه به شما خواهد گفت که شانس تا مدتی همراه شما خواهد بود و عادت عدم مدیریت ریسک همیشه برای اذیت کردن شما باز خواهد گشت و هر بار سخت‌تر از آخرین بار عمل خواهد کرد.

مدیریت ریسک نیاز به پیچیده بودن یا مشکل پیاده‌سازی ندارد. اکثر کتابها و وب سایت‌های معامله‌گری به واقع هیچگونه جزئیاتی درباره برنامه‌های مدیریت ریسک ارائه نمی‌دهند؛ آنها فقط به طور خلاصه اهمیت برنامه‌های مدیریت ریسک را بیان می‌کنند و سپس به صحبت در مورد برخی از این اندیکاتورها و یا چیزهای پوچ دیگر ادامه می‌دهند.

در برنامه مدیریت ریسک فارکس موارد زیر باید در نظر گرفته شود:

نسبت ریسک به پاداش خود را قبل از ورود به معامله مشخص کنید. براساس ستاپ‌هایی که برای ورود به پوزیشن استفاده می‌کنید، حد ضرر و حد سودتان در کجا قرار دارد؟ اگر نمی‌توانید پاداشی دریافت کنید که حداقل ۲ برابر ریسک شما باشد، بدانید که یک ریسک به پاداش کمتر از ۱:۲ در طول زمان پایدار نخواهد بود زیرا حفظ درصد برد برای حفظ سودآوری در ریسک زیر ۱:۲ دشوار است. به طور ایده آل شما باید به دنبال یک ریسک به پاداش ۱:۲، ۱:۳ یا ۱:۴ باشید، زیرا این نسبت‌ها با بیشترین احتمال برآورده شدن پیش از وقوع هرگونه بازگشت مهمی رخ می‌دهند.

اندازه پوزیشن خود را تنظیم کنید تا میزان ریسک مورد نظر را حفظ کنید.

زمانی که نسبت ریسک به پاداش خود را برای معامله مشخص کردید، باید اندازه پوزیشن مناسب را اجرا کنید تا مطمئن شوید که ریسک دلاری از پیش تعیین شده خود را حفظ کرده‌اید. نکته در اینجا این است که همه تنظیمات برابر با هم نیستند؛ در هر روش معاملاتی به طور ذاتی مقداری اختیار وجود دارد. بنابراین بسته به کیفیت ستاپ، شما ممکن است تصمیم بگیرید که بیش از حد یا کمتر از معمول سرمایه خود را به خطر بیندازید. هر تصمیمی که می‌گیرید باید مطمئن شوید که اندازه پوزیشن را برای رسیدن به حد ضرر مورد نظر تنظیم کنید تا ریسک دلاری خود را حفظ نمایید.

درک کنید که مقدار دلاری که در هر معامله به خطر می‌افتد تا حدودی اختیاری است. معاملات فارکس، بیشتر هنر است تا علم؛ شرایط می‌تواند فرار باشند یا ساکن، رونددار یا رنج، یا هر ترکیبی از این چهار مورد می‌تواند باشد. هر روش معاملاتی ذاتا درجاتی از اختیار را به همراه دارد، مگر اینکه یک سیستم "ربات" داشته باشید، که هرگز در طولانی مدت کار نمی‌کند. به این ترتیب ممکن است در مورد علاقه شما به ریسک کمی بیشتر و یا کمتر، کیفیت ستاپهای موجود متغیر باشد. این جایی است که سپری کردن زمان در بازار و تجربه به کار می‌آیند. اگر شما یک معامله‌گر تازه کار هستید که تجربه زیادی با روش مورد استفاده ندارد، قاعده کلی می‌گوید ریسک کمتر از ۳ درصد در هر معامله مجاز است. همانطور که در تجربه رشد می‌کنید و یاد می‌گیرید، بسته به شرایطی که به آن نیاز دارید، می‌توانید ریسک بیشتری داشته باشید. این یک روش بسیار پیشرفته است، اگرچه معامله‌گرانی که سالها تجربه ندارند، هرگز نباید بیش از ۳٪ در هر معامله ریسک کنند.

مدیریت سرمایه

کاهش ضررها

یک معامله به احتمال زیاد بر ثبات روانی شما تاثیر می‌گذارد و می‌تواند باعث شود که شما از کنترل خارج شوید و یک میزبان تمام عیار از اشتباهات معاملاتی شارژ شده را مرتکب شوید.

به همین دلیل است که اغلب معامله‌گران ارز که تازه کار هستند نمی‌توانند به مدت خیلی طولانی معامله نمی‌کنند، زیرا آن‌ها قادر به حفظ ضررها به مقدار کوچک نیستند. زمانی که پول را در معامله از دست می‌دهید، سرمایه کمتری برای کار دارید. بنابراین برای اینکه آنچه را از دست داده‌اید پس بگیرید، باید درصد بالاتری از آنچه را که از دست داده‌اید، به دست آورید. در ابتدا اندازه‌های پوزیشن خود را کوچک نگه دارید و حد ضرر را اعمال کنید.

ما فارکس را برای قمار کردن معامله نمی‌کنیم. مهم است که تراز معاملاتی خود را حفظ کنید. اگر ۲۵ درصد از پول حساب خود از دست بدهید، باید زندگی معاملاتی را متوقف کرده و به معاملات دمو بازگردید تا زمانی که به طور سودآوری معامله کنید.

هدف خود را ثبات قرار دهید

سعی کنید ماه به ماه درآمد ثابت داشته باشید، اهداف خود را تعیین کرده و آماده باشید زمانی که اهدافتان عملی شد، از آن خارج شوید. معاملات بیش از حد، قاتل معامله‌گران است.

حد ضررهای محافظتی

همه روش‌های معاملاتی خوب از حد ضرر استفاده می‌کنند.

حد ضرر حفاظتی دستوری است برای خروج از یک پوزیشن خرید یا فروش و برای اجرا شدن آن باید قیمت بر خلاف شما تا نقطه‌ای خاص حرکت کند. حد ضرر غیر معمول، ضرر بزرگی را به بار می‌آورد و باید به یک روش و یا روش‌های دیگر استفاده شود.

یک حد ضرر اولیه را می‌توان با سفارش شما روی پلتفرم معاملاتی قرار داد. اگر حد ضرر فعال شود، معامله به طور خودکار بسته خواهد شد. این نوع حد ضرر به شما این امکان را می‌دهد که از کامپیوتر دور شوید تا تلویزیون تماشا کنید، با افراد صحبت کنید یا ساختمان را ترک کنید. این حد ضرر ایده‌آل است و توسط بسیاری از معامله‌گران موفق استفاده می‌شود. اگر معامله آنطور که به نظر نمی‌رسد به مسیر خود ادامه دهد، هنوز هم می‌توانید این معامله را به صورت دستی ببندید. اگر بخرید، حد ضررتان پایینتر از بازار خواهد بود. اگر بفروشید، حد ضرر شما باید بالای بازار قرار داده شود.

حد ضرر ذهنی/حد ضرر زمانی

این نقطه‌ای است که شما برای یک خروجی انتخاب می‌کنید اگر معامله هر کاری را که ممکن است برخلاف آنچه که انتظار داشتید انجام دهد. این به معنای ترس یا تسلیم شدن به احساسات نیست. بهترین مثال، اگر وارد یک معامله شوید، و برای ۵ روز آینده بازار در محدوده باریک بالا و پایین رود و تنظیمات اولیه معاملاتی را از بین ببرد، این ممکن است اینگونه باشد که شما از یک حد ضرر ذهنی استفاده می‌کنید و همچنین از یک حد ضرر طبیعی به عنوان پشتیبان برای

اشتباهاتان استفاده می‌کنید. طبیعتاً، کارگزار نمی‌تواند به یک حد ضرر ذهنی دست بزند، چون نمی‌تواند آن را ببیند.

حد ضرر متحرک

حد ضررهای متحرک ضروری نیستند. این امر مستلزم حرکت دادن حد ضرر معامله‌گر، همزمان با پیشروی معامله به نفع او است. مثال، در یک معامله خرید، EURUSD به طور پیوسته از ورودی به ۱/۲۳۰۰ حرکت می‌کند تا ۱/۲۵۰۰ را لمس کند، معامله‌گر حد ضرر خود را به ۱/۲۳۰۰ می‌آورد و در نقطه سربه‌سر قفل می‌کند و حتی اجازه می‌دهد که سود ادامه یابد. اینها دستورات بسیار پیشرفته‌ای هستند که در آینده مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

حد ضرر اضطراری

اگر معاملات شما کوتاه مدت است، احتمالاً تمایل دارید تا بدون حد ضرر، معامله کنید. (این کار پیشنهاد نمی‌شود). پیشنهاد میشود از حد ضرر اضطراری استفاده نمایید.

این "حد ضرر اضطراری" یک دستور توقف استاندارد است که ۱۰۰ پیپ پایین‌تر یا بالاتر از قیمت ورودی شما قرار داده می‌شود تا در صورت خرابی کامپیوتر، اینترنت، افزایش ناگهانی ناشی از اخبار غیر منتظره و غیره، در امان باشید، امیدوارم هیچگاه اینگونه معامله نکنید.



شکل: ۶۵

یک نسبت ریسک به پاداش ۱:۳ مثبت به این معناست که اگر ۵۰ پیپ حد ضرر قرار دهیم انتظار برد ۱۵۰ دلار را داریم. این بسیار بهتر از نسبت ریسک به پاداش ۲:۱ منفی است که اگر ۵۰ دلار حد ضرر داشته باشیم انتظار ۲۵ دلار را داشته باشیم.

درصد برد، بدون در نظر گرفتن نسبت‌های ریسک به پاداش در فرایند معامله-گریمان کاملاً بی‌ارتباط خواهند بود. اگر سودمان بیشتر از ضررمان باشد، حساب معاملاتی‌مان در بلندمدت رشد خواهد کرد.

تعیین اندازه پوزیشن

معاملات با اندازه مناسب می‌تواند تفاوت بین ضرر و زیان باشد.

تعیین اندازه پوزیشن فرآیند تعیین میزان سرمایه‌گذاری و یا ریسک در هر معامله واحد است. تعیین اندازه پوزیشن برای معاملات فعال، در مقابل سرمایه‌گذاری بلندمدت متفاوت است. در مورد معاملات کوتاه‌مدت، معمولاً در صورتی که معامله بد پیش برود، اغلب شما می‌توانید میزان ضرر خود را محاسبه کنید.

در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، تعیین اندازه پوزیشن کمی پیچیده‌تر است و ممکن است به استراتژی بازی بستگی داشته باشد. در این بخش ما بر روی تعیین اندازه پوزیشن برای معاملات کوتاه‌مدت تمرکز خواهیم کرد.

تحمل ریسک خود را مشخص سازید و به یک برنامه وفادار بمانید.

مزیت تعیین اندازه پوزیشن این است که به شما در پیش‌بینی و کنترل تاثیر معاملات خود بر روی ارزش پورتفولیو کمک می‌کند. بسیاری از معامله‌گران مقادیری متناقض را در هر معامله سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بی‌ثباتی، یا بیش از حد سرمایه‌گذاری در یک معامله واحد، منجر به خالی شدن حساب شما خواهد شد که می‌تواند شما را از بین ببرد. دانستن اینکه چقدر شما سرمایه‌تان را در یک معامله واحد در مقایسه با کل پورتفولیوتان به خطر می‌اندازید، به سرمایه‌گذاری شما کمک می‌کند که ثبات بیشتری داشته باشد.

معامله‌گران خوب گاهی اوقات در مورد نحوه محاسبه ریسک، یا حداکثر ریسک، از هر پوزیشن خاص متفاوت هستند. ما معتقدیم که با استفاده از فاصله بین نقطه ورودی و حد ضرر شما موثرترین راه برای تعیین حداکثر میزان ریسک است.

برای اندازه‌گیری پوزیشن خود، باید بدانید چقدر پول در حساب خود دارید، چه درصد از آن را می‌خواهید ریسک کنید و حد ضررتان چه میزان است. تصور کنید که یک حساب با ۱۰۰۰۰ دلار سرمایه در آن دارید و مایل هستید ۲ درصد را در یک معامله بد از دست بدهید. شما در حال بررسی پوزیشن خرید در یورو / دلار آمریکا در ۱/۵۰۰۰ هستید و احساس می‌کنید که نیاز به یک حد ضرر ۵۰ پیپ برای آن معامله دارید. شما در حال حاضر آماده محاسبه اندازه پوزیشن خود با این فرمول هستید:

(مقدار حساب * درصد ریسک) / مقدار دلار حد ضرر =

اندازه پوزیشن (۱۰۰۰ * ۲٪) / ۵۰ پیپ = ۴ مینی لات

ما از حد ضرر برای محاسبه حداکثر ریسک در فارکس استفاده می‌کنیم زیرا یک پوزیشن فارکس یک پوزیشن حاشیه‌ای است. این بدان معنی است که یک تعهد در بخش معامله‌گری برای جبران خسارت وجود دارد.

شما در واقع بیش از ۱۰۰۰۰ دلار پول در زمانی که معامله مینی لات را اتخاذ می‌کنید، در اختیار ندارید. کاری که شما واقعاً خودتان انجام می‌دهید تعهد شما است و بنابراین تعیین اندازه پوزیشن شما باید بر این اساس، و نه کل مقدار پوزیشن تصوراتتان، باشد. این برخلاف یک معامله سهام است، که در آن می‌توانید درخواست تحویل گواهی سهام را بکنید.

راهنمای سریع - کنترل درصد ریسک

یک معامله گر از چه میزان ریسک/حساب باید استفاده کند؟ معامله گران حرفه ای متفاوت هستند و $\frac{1}{5}\%$ ، 2% ، 3% یا 5% کل حساب خود را در هر معامله ریسک می کنند. زمانی که شروع به کار می کنید، بهتر است بیش از 2% ارزش حسابتان را بر روی هر معامله واحد ریسک نکنید. اگر تراز حساب شما بیش از حد کوچک باشد و یا اهرم زیادی را انتخاب کنید، حد ضرر شما کوچک خواهد بود و احتمالا مورد اصابت قرار خواهد گرفت.

به عنوان مثال، با یک حساب 5000 دلاری با استفاده از 25 پیپ حد ضرر و به خطر انداختن 2% از حساب، شما 3 مینی لات معامله خواهید داشت. 2% از 5000 دلار = 100 دلار.

اگر 1 مینی لات به اندازه یک دلار در هر پیپ ارزش داشته باشد

$$25/100\$ = 4 \text{ مینی لات}$$

برای یک حساب 50000 دلار، 2% از 50000 دلار = 1000 دلار.

$$1000/25\$ = 40 \text{ مینی لات یا چهار لات کامل با ده دلار در هر پیپ.}$$

برای یک حساب $40,000$ دلاری و یک حد ضرر 50 پیپ، $2\% = 800 = 50/16 = 16$

مینی لات یا $1/6$ لات کامل



شکل: ۶۶

روانشناسی معامله گری

مهارت در احساس های بازار و روانشناسی آن



روانشناسی بازار

یک روش معامله‌گری عالی بدون تسلط بر احساسات خود و یادگیری در مورد روانشناسی بازار، بی‌فایده خواهد بود.

ترس

ترس می‌تواند ناشی از، از دست دادن پول، ترس از اشتباه، ترس از ناپدید شدن و ترس از رها کردن پول روی میز معامله‌گری باشد.

ترس می‌تواند یک معامله‌گر را از بین ببرد و منجر به انفعال شود. می‌تواند باعث بیرون راندن دانش شود. ترس می‌تواند با یادگیری کنترل احساسات و ترس‌های کوچک مدیریت شود. سعی کنید خونسرد و متمرکز باقی بمانید.

قادر باشید بدون جایگزین کردن روش خود، زیان‌های متوالی را بپذیرید. با وجود ترس، معامله‌گران برنده اقدام مثبتی به عمل می‌آورد. از سرمایه خود در برابر ضرر و زیان جلوگیری کنید. تمام معامله‌گران قرار نیست که برنده باشند.

اگر می‌خواهید معامله‌گر موفق باشید باید برای قبول ریسک مالی برای چیزی که هیچ کنترلی بر روی پیامد آن ندارید، آماده باشید. معامله‌گری بازی احتمالات است و هیچ چیز قطعی نیست.

سعی نکنید به جای پذیرفتن ضررهایی که با روش مورد استفاده‌تان کسب می‌کنید، معاملات برنده را انتخاب کنید. اگر شما ۵ معامله خود را پشت سر هم از دست بدهید، باید معامله بعدی را ادامه دهید. تمام روش‌ها کمی ضرر دارند و فقط به این علت که معامله شما ضرر کرد، شما بازنده نیستید. هر بار که احساس می‌کنید کار اشتباهی کرده‌اید در مورد خودتان قضاوت نکنید. اشتباهاتی رخ خواهد داد. هیچ کس یک معامله‌گر کامل نیست، پس اگر اشتباه کردید، خودتان

را شکست ندهید. هر پولی که از دست رفته است، کمک مالی به سایر معامله-گران است.

نگویید "من باید بهتر معامله کنم"، یا "من باید آن حرکت را می‌گرفتم"، یا "من باید X دلار امسال کسب می‌کردم". به افکار منفی گوش ندهید. بر آنچه می-خواهید به دست آورید تمرکز کنید. روش خود را آزمایش و آن را اصلاح کنید، چرا که می‌دانید بیشتر از ضررهایتان پول به دست خواهید آورد.

تنها با پولی معامله کنید که می‌توانید از دست بدهید و اهداف واقع گرایانه‌ای را تعیین کنید. سعی نکنید در سال اول ۵۰۰۰۰۰ دلار بگیرید.

معامله در یک مکان آرام و بدون احساسات انجام دهید. آنچه را که در آن خوب هستید و آنچه را که در آن خوب نیستید، بشناسید.

حرص

معامله‌گران هجومی، به معاملات زیادی وارد خواهند شد و یا در معامله بیش از حد طولانی باقی خواهند ماند و معامله بر ضد آن‌ها پیش خواهد رفت. نیازی به حریص بودن در معامله نیست، زیرا یک فرصت معاملاتی خوب دیگر به زودی به پایان خواهد رسید. سعی نکنید یک معامله بزرگ داشته باشید که شما را ثروتمند کند.

اعتماد به نفس بیش از حد

یک معامله‌گر با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است بسیار زیاد معامله کند و یا ریسک زیادی برای پاداش بسیار کمی داشته باشد. باید بدانید که یک الگو در گذشته چقدر موفق بوده است. بدون اینکه فکر کنید و یا تکلیف خود را انجام دهید، با یک حدس و گمان وارد معامله نشوید.

سرخوشی احساسی است که فکر می‌کنید، نمی‌توانید هیچ کار اشتباهی انجام دهید. از آنجا که معامله یک بازی احتمالات است، معامله‌کنندگان زمانهایی را تجربه خواهند کرد، که نمی‌توانند اشتباهی مرتکب شوند اما اینها موقتی هستند. خطری که وجود دارد این است که یک معامله‌گر ریسک زیادی کند و با ضرر زیادی مواجه خواهد شد.

اعتماد

معامله‌گران موفق با استفاده از روش خود، بارها و بارها در طول زمان، مقدار زیادی اعتماد به نفس در خود ایجاد می‌کنند تا اینکه بدانند روش آنها تا چه حد موفق است.

عدم توانایی در کشیدن ماشه معامله

اگر شما یک معامله‌گر ارز هستید، باید بابت زمان و تلاش خود پول کسب کنید. شما باید در بازار باشید تا پول به دست آورید. شما باید به سرعت تصمیم بگیرید، اگر نه معامله از آنجا عبور خواهد کرد، و یا زمانی که قیمت در حال حاضر در پایان یا نزدیک به پایان حرکت است وارد معامله خواهید شد. معاملات را به سرعت و قاطعانه انجام دهید. معاملات خود را به تعویق نیندازید و یا بیش از حد آنالیز نکنید.

همیشه در ذهن ما شکی وجود خواهد داشت. این طبیعت معامله‌گری است. برنامه کاری خود را دنبال کنید. احساسات خود را کنترل کنید. با عذر و بهانه برای عدم موفقیت معامله نکنید. آماده‌سازی و درک نیازهای معامله‌گری است. ایجاد عادات معاملاتی خوب مورد نیاز است. صبر کنید تا ستاپ‌های معاملاتی قبل از انجام، روشن و واضح شوند. اگر از حد ضرر ذهنی استفاده می‌کنید، باید در آنجا نیز اقداماتی انجام دهید.

خروج زود هنگام از معامله

برخی معامله‌گران به محض اینکه شروع به معامله کنند، معامله خوبی را انجام می‌دهند. سپس قیمت در مسیری که آنها انتخاب کردند حرکت می‌کند. این بسیار خسته کننده است چون معامله‌گر موفق اجازه می‌دهد تا سود، خودش را به اهدافش برساند. قیمت‌ها به صورت زیگ زاگ حرکت می‌کند.

بازگشتها قابل انتظار هستند. قیمت در تمام مدت صاف بالا یا پایین نمی‌رود.

برخی از معامله‌گران به محض اینکه ۵ پیپ، ۱۰ پیپ و غیره به دست می‌آورند از معامله خارج می‌شوند، اگر به معامله اجازه دهند تا به هدف مورد نظر خود برسد، مقدار زیادی پیپ به دست خواهند آورد.

برخی از معامله‌گران موفق روزانه، معامله‌ای را با حد ضرر و سفارش محدود برای کسب سود در یک سطح مشخص انجام می‌دهند و سپس آنها از چارت دور می‌شوند و تلویزیون تماشا می‌کنند یا برای پیاده روی می‌روند، بنابراین معامله، فرصتی برای توسعه بدون دخالت معامله‌گران دارد.

قضاوت

در نهایت، معامله‌گران قضاوت خوب و شهود را از تجربه خود توسعه خواهند داد. بنابراین تسلیم نشوید. معامله‌گری شما با زمان و پایداری بهبود خواهد یافت. بر روی قسمت‌های مختلف تمرین کنید، و حس درونی خوب، توانایی‌های شما را در طول زمان گسترش می‌دهد.

چک لیست

با استفاده از یک چک لیست یا طرح معاملاتی، یک ستاپ یا الگویی که باید مورد توجه قرار دهید را نادیده نخواهید گرفت. چک لیست معاملاتی شما نیز به شما اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد.

کار کردن با هنر خود

شما باید عاشق پیدا کردن الگوها، کشف الگوها و تحقیقات باشید. بسیاری از معامله‌گران خوب اصل بازی یعنی معامله‌گری را دوست دارند. دریافت پول بابت آن یک پاداش است. برای معامله‌گران موفق، معامله‌گری سرگرمی است و قواعد آنها بدون نقص اجرا می‌شوند.

انضباط

یک معامله‌گر، زمانی که یک سیگنال ورودی در چارت ظاهر می‌شود باید ماشه معامله را بکشد و میزان حد ضرر را محاسبه کند. اگر سیگنالی وجود نداشته باشد، معامله‌گر نباید معامله انجام دهد. زمانی که شروع به معامله‌گری می‌کنید از روش خود منحرف نشوید. روش خود را بارها و بارها برای بهره‌برداری از یک سیستم معاملاتی سودآور استفاده کنید. تکرار، مهارت‌های شما را می‌سازد.

نظم و انضباط تعهد یک معامله گر برای پیروی از قوانین معاملاتی، رسیدگی به احساسات و پایبندی به قوانین مدیریت مالی را تعیین می کند. بازار فارکس به شما نظم و انضباط می دهد.

تعهد

یک معامله گر باید شور و شوق برای موفقیت در معامله را داشته باشد و از آن لذت ببرد. حاضر باشید هرکاری که برای رسیدن به هدفتان لازم است را انجام دهید. تعهد تضمین می کند که معامله گر می تواند چندین معامله ضررده را سپری کند و سپس معاملات سودآور خود را ادامه دهد. معامله گران موفق به شدت هدف گرا، منظم و جاه طلب هستند.

تمرکز

سعی کنید از قطع رابطه با دوستان و بستگان خود اجتناب کنید. سعی نکنید سیستم های بیشتر و روش های ورود را یاد بگیرید، باید به آنچه دارید پایبند باشید و تمرکز کنید. همه معامله گران تمایل طبیعی خود را برای خواستن بیشتر احساس می کنند و می خواهند به جستجو ادامه دهند. آنها پول را از دست می دهند و بر این باورند که اشتباهی مرتکب شده اند. این نوع تفکر بسیار اشتباه است. جستجو در اینترنت، خواندن بسیاری از کتاب ها، شک و تردید در مورد آنچه که انجام می دهید، همه نشانه های واضح و روشنی هستند که شما فاقد تمرکز هستید.

صبر

کسل نشوید و معاملات غیر ضروری انجام ندهید. منتظر ستاپهای معاملاتی مناسب باشید تا به راه خود ادامه دهید. ستاپهای تجاری را با دقت بیشتری معامله کنید.

ثبات

معامله‌گری را ساده نگه دارید و قوانین را رعایت کنید تا بتوانید به یک اساس کسب پول به صورت ثابت دست پیدا کنید. سود از هفته تا هفته دیگر متفاوت خواهد بود، و بله شما چند هفته یا چند ماه ممکن است ضرر دهید. سعی کنید در حاشیه بمانید تا اینکه به طور مداوم در بازار مشغول باشید. صبورانه منتظر ستاپهای معاملاتی باشید، معاملات را تنظیم کنید و بروید. با ثبات بودن، یعنی آوردن تمامی ویژگیهای یک معامله موفق در کنار یکدیگر و اجرای هر روز آن.

خلاصه

شما در حال حاضر تنها چند ساعت را صرف مطالعه‌ی این دوره‌ی معاملات رفتار قیمت کرده‌اید و مفاهیم مختلفی را که مطرح شد، در نظر گرفته‌اید. من طرز فکر معامله‌گری، تمام خرد و دانش خود را فاش کردم، تمام ابزارهای من، تمام روش‌های ورودی رفتار قیمت، و غیره را می‌دانید.

شما باید اصول پویایی قیمت، روندها، روش پیدا کردن روندها و روشی که ما الگوهای قیمت را در روندها و غیره انتخاب می‌کنیم، درک کنید.

بدون توجه به روش‌هایی که دوست دارید، من می‌خواهم چند مورد را انتخاب کنید و بر آن‌ها مسلط شوید. یک مبتدی می‌تواند با روشهای دنباله رویی از روند شروع کند، و از سیگنالهای رفتار قیمت برای ورود به معاملات روزانه یا از چارتهای روزانه، استفاده کند.

حالا که این اطلاعات را دارید، می‌خواهید با آنها چه کار کنید؟ اگر می‌خواهید مطالعه‌ی خود را ادامه دهید، این کار را انجام دهید، و اگر می‌خواهید با آنها معامله کنید، باید یک برنامه‌ی معامله‌گری درست کنید و آن را اجرایی سازید.

برنامه‌ی معامله‌گری شما، درباره میزان ریسک در هر معامله، پاداش به ریسک مورد نظر شما در هر معامله و البته حفظ نظم برای ورود به تنظیماتی که انتخاب می‌کنید، خواهد بود. چارتهای روزانه، مکان خوبی برای شروع به کار هستند.

بدیهی است که برخی از شما هنوز در مورد برخی موضوعات سردرگم خواهید بود، پس این دوره را به دقت بخوانید و به چارت خود نگاه کنید، همه چیز معنادار

خواهد شد، به شرطی که تنها تعداد کمی از ستاپهای معاملاتی که در آنها مهارت دارید را دنبال کنید. من شخصا روندها را دوست دارم، و همواره تمام زمان خود را صرف یافتن ستاپهای درون روندها، ورودی‌های پین‌بار و کندل درونی، می‌کنم.

بیش از ۱۰ استراتژی در این دوره به شما نشان داده شد، اگر آنها را بخوبی کنترل کنید برخی از آنها این قابلیت را دارند که شما را ثروتمند کرده، و برخی دیگر سرمایه شما را از بین ببرند. صادقانه بگویم، شما باید تعداد کمی از آنها را پیدا کنید، نه یک مورد و نه تمام آنها را، از آنهایی استفاده کنید که به خوبی با شخصیت شما وفق می‌یابند و متناسب با محدودیت‌های زمانی شما هستند.

اکنون زمان آن رسیده است که برنامه‌ی خود را تهیه کنید، در ادامه، اصول اولیه‌ی طرح معاملاتی خودم را برای شما بیان می‌کنم.

اصول اولیه طرح معاملاتی من

- من از کندلهای نیویورک استفاده می‌کنم. سایتهای www.fxlite.com یا www.tradestation.com این چارته‌ها را ارائه می‌دهند.
- هر روز که از خواب بیدار می‌شوم، جفت ارزها را بررسی می‌کنم و هر سیگنال رفتار قیمتی واضحی مثل کندل درونی، پین‌بار، یا یک ستاپ کاذب را شناسایی می‌کنم.
- اگر کندل درونی با یک روند پیدا کنم، به دنبال ادامه‌ی روند هستم، اما اگر مخالف روند میان مدت باشد، به یک شکست کاذب بالقوه که در حال ساخت است، توجه می‌کنم، به یاد داشته باشید، ستاپهای

- کاذب در این نقطه (شکست کاذب) تایید نشده است، پس این یک ورودی معلق است. پس از یک پین بار روزانه، معمولاً برای ورود به پین بار، برای ۳۸ تا ۵۵ درصد اصلاح صبر خواهیم کرد. اگر بازار رونددار است، و این روند در حال حاضر قدرتمند و به سرعت در حال حرکت باشد، من به طور حتم، پین بار روزانه را معامله خواهم کرد.
- من از قبل، حمایت و مقاومت زیادی در چارتهای خود رسم کرده‌ام، اما در صورتی که همه چیز یک شبه تغییر کرده باشد، این خطوط را روی چارتهای اصلاح خواهم کرد. یک حرکت در بازار، به وضوح حمایت و مقاومت نوسان کوتاه مدت کلیدی من را تغییر خواهد داد، بنابراین کاملاً متوجهی این سطوح هستم.
 - من توجه خود را به روند کوتاه مدت فعلی در چارت میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ و همچنین میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ یک ساعته معطوف می‌کنم.
 - من همه چیز را در کنار هم قرار می‌دهم و در مورد ستاپهای معاملاتی که دوست دارم تصمیم می‌گیرم. من تصمیم می‌گیرم که آیا بازار بر روی خط روند به دنبال میانگین متحرک است، یا نزدیک به حمایت و مقاومت افقی کوتاه یا بلند مدت واضح و غیره؟ آیا هر سیگنال در نزدیکی حوزه‌های مربوطه رخ می‌دهد یا آنها همراه با روند وسیع‌تر شکل می‌گیرند؟
 - اگر بازار پیش از این، رنج حرکت می‌کرد، آیا حرکت رونددار روزانه مشخصی وجود داشت که یک شبه مقاومت و حمایت کلیدی را بشکند؟ اگر وجود داشت، باید آن سطح را در چارت خود یادداشت کنم.

- اغلب ستاپهای کاذب با بازارهای رونددار، یا درست در کنار حمایت یا مقاومت، یا نقاط حساس اصلاحی، بهتر کار می‌کنند. بنابراین تنها در صورت مشاهده‌ی آن، وارد یک معامله می‌شوم.
- کندل‌های درونی در صورتی معامله می‌شوند که به وضوح، با یک روند قدرتمند موجود شکل بگیرند، زمانی که شکست یک کندل درونی را معامله می‌کنم، به طور ایده‌آل به دنبال کندل درونی‌ای می‌گردم که کوچکترین کندل ۴ یا حتی ۷ روز گذشته باشد. ($4nr$ و $7nr$ روز). هرچه حمایت و یا مقاومت در آن نزدیکی کم تر باشد، الگوی کندل درونی پتانسیل بیشتری برای حرکت در جهت دلخواه ما دارد، اگر سطح نزدیکی وجود داشته باشد، شما ممکن است بخواهید قبل از ورود به کندل درونی، به انتظار شکست حمایت یا مقاومت بمانید.
- کندل‌های درونی روزانه بی‌اهمیت شمرده می‌شوند، زیرا آنها می‌توانند تبدیل به ستاپهای کاذب شوند.
- اگر یک روند قوی در چارت روزانه وجود داشته باشد، با یک اقدام سریع رفتار قیمت، به طور فعال به دنبال ورود به یک معامله در جهت روند، با استفاده از یک حرکت مخالف برای ورود به مناطق میانگین متحرک نمایی ۸، ۲۱، یا ۵۰ روزه هستیم. این امر در مورد چارتهای روند ۱ ساعته نیز صدق می‌کند.
- پین‌بار روزانه با یک کندل درونی بعد از اینکه قدرت یافت و فعال شد، معمولاً اگر روند موافق باشد، یا اگر سیگنال، نزدیک یا در سطح افقی کلیدی واضح اتفاق بیفتد، معامله در هر زمانی انجام می‌شود.

توصیه هایی برای معاملات درون روز

- در زمانی که بازار به روشنی در یک طرف خط روند یا جهت شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ قرار دارد، با پین بار ۲۴۰ دقیقه‌ای معامله خواهیم کرد.
- من پین بار ۲۴۰ دقیقه‌ای، ۲۴۰ دقیقه‌ای کاذب یا ۲۴۰ دقیقه درون کندل در جهت جریان آشکار را معامله خواهیم کرد.
- در هنگام خرید میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ ساعته، ما از سیگنال‌های ۱ ساعته و یا در ترکیب با چارتهای ۲۴۰ دقیقه‌ای وارد معامله می‌شویم.
- در چارت ۲۴۰ دقیقه‌ای و ۱ ساعته، به دنبال یک شکست کاذب از یک سطح نوسانی حمایت یا مقاومت (سقف‌ها و کف‌های اخیر) این مناطق هستیم.
- در زمانی که بازار به وضوح در یک طرف خط روند یا در جهت شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ ساعته قرار دارد، من پین بار ۲۴۰ دقیقه‌ای و کندل درونی را معامله می‌کنم. (ما به طور واضح چارتهای را برای قضاوت مناسب، ترکیب می‌کنیم).
- پین‌بارهای بزرگ ۱ ساعته، یا دسته‌های درون کندلی کاذب ۱ ساعته که در یک خط با حرکت روند قدرتمند شکل می‌گیرند، سیگنال‌های واضحی هستند! سقف‌ها و کف‌های جدید در یک روند، سرنخ‌های خوبی برای روندهای قدرتمند می‌باشند.

- شما ممکن است بخواهید از پین بار یا کندل درونی ۱ ساعته یا ۲۴۰ دقیقه‌ای، برای تصمیمات معاملاتی روزانه استفاده کنید. به خاطر داشته باشید که چارتهای، هنگامی که با یکدیگر هم تراز می‌شوند، بهتر کار می‌کنند. ستاپهای پین بار در چارت روزانه اغلب، از طریق سیگنال‌های درون‌روز، یا همان روز یا روز بعد نیز تایید می‌شوند.

فکر نهایی من

بدون توجه به جایگذاری دستور حدضرر و حدسود، اگر شما یاد بگیرید که تنها چند استراتژی رفتار قیمت را مدیریت کنید و این شرایط اولیه را در چارت خود داشته باشید، در مسیر خوبی قرار گرفته‌اید.

سیستم معاملاتی سودآور شما، رفتار قیمت است، یاد بگیرید چارتهای را بخوانید و برای سطوح کلیدی، پین‌بارها، کندل‌های درونی و شکستهای کاذب، آنها را جستجو کنید.

در طول زمان شما با استفاده از مدیریت پول، سطوح سود و ضرر، به یک معامله‌گر خوب تبدیل خواهید شد. نمی‌توانم آن سطوح را به شما بدهم، زیرا همیشه بازار در حال تغییر است. من سیگنال‌هایی را که برای من کار می‌کنند را به شما داده‌ام، حالا باید یاد بگیرید به دنبال سیستم‌هایی بگردید که با آنها راحت‌تر هستید و معامله‌گری خود را مدیریت کنید.

دوباره می‌گویم، هیچ سیستم یا روش دقیقی برای ورود و خروج وجود ندارد. تنها بخش سیستماتیک معامله‌گری من، ستاپهای ورودی رفتار قیمت است، زمانی که شرایط ورود را مشاهده می‌کنم، به دنبال مکانی منطقی برای حد ضرر و حد سود

می‌گردم، و اگر یک نسبت پاداش به ریسک بین ۲/۵ تا ۱ یا بیشتر اعمال کنم، سود حساب من همواره از خودش مراقبت خواهد کرد.

به یاد داشته باشید، بازارها می‌توانند تنها با xyz درصد در هفته حرکت کنند، بنابراین اگر حدضرر شما گسترده باشد، حد سود شما نیز گسترده‌تر خواهد بود و شما در یک افق زمانی از چند روز تا چند هفته قرار خواهید گرفت.

صبور باشید و زمانی که یک ستاپ معاملاتی فعال است، آن را دست‌کاری نکنید. محتوای این دوره، یک کار درحال توسعه است و شما ۱۰ برابر مقدار پولی که برای آن پرداخت کرده اید را دریافت خواهید کرد.

جمع‌بندی کامل یک دوره، زمان‌بر خواهد بود و من نیز در حال یادگیری توضیح مسائل گوناگون هستم، پس لطفاً صبور باشید.